نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۳ شنبه ۷ آبان ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

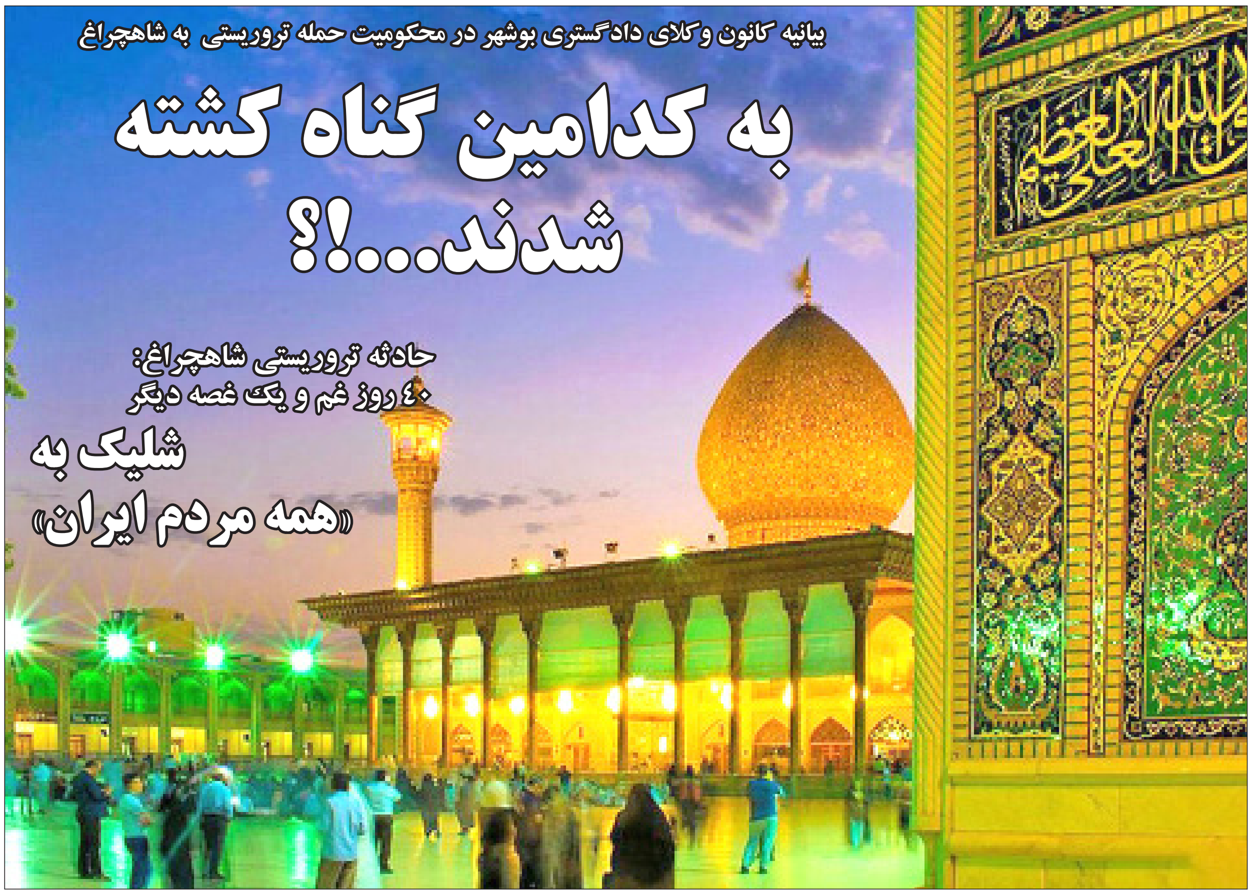
دکتر عماد افروغ در مصاحبه با ایسنا:

«طردشدگی» آمادگی اولیه برای اعتراض خیابانی را فراهم کرد

دکتر فرشاد مومنی مطرح کرد:

تمکین به مطالبات مردمی نشان ضعف نیست

سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا هم خط قرمز حکومت‌گران باشد



بیانیه کانون وکلای دادگستری بوشهر در محکومیت حمله تروریستی به شاهچراغ

به کدامین گناه کشته شدند...!؟

حادثه تروریستی شاهچراغ:
۴۰ روز غم و یک غصه دیگر

شلیک به «همه مردم ایران»

فقط حجاب نیست، زیست زنانه تغییر کرده است

ریحانه کریمی

مسئله جوانان و مسئله اصلاح‌طلبان

حسین نورانی‌نژاد

آمار عجیب و غریب از درآمدهای «کاسبان فیلترینگ»!

واکنش سید محمد خاتمی به حادثه تروریستی شیراز:

تقاضای زندگی خوب، امن و عادلانه از سوی مردم، تقاضای طبیعی است

تروریست‌ها امنیت جامعه را هدف قرار داده‌اند

سیدحسن خمینی، نوه امام خمینی در واکنش به حادثه تروریستی صورت‌گرفته در حرم شاهچراغ پیامی منتشر کرد که در بخشی از آن آمده است:«جنایت دردناک حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) در شهر شیراز که منجر به شهادت جمعی از نمازگزاران و جراحت تعدادی دیگر شد، مایه تأسف و تأثر شدید است. عاملان این جنایت تروریستی امنیت جامعه ما را هدف گرفته‌اند که به دنبال ایجاد بستر مناسبی برای اهداف پلید خود بوده‌اند. طبیعی است که انتظار همگان از مسئولان مربوطه، علاوه بر برخورد با عاملان پیدا و پنهان این اتفاق و پیشگیری از موارد مشابه، آن است که با قصور و تقصیرهای احتمالی که باعث پیدایش چنین اتفاقاتی می‌شود، برخورد شود.» وی در ادامه پیام خود آورده است:«ضمن آنکه وقوع چنین اتفاقات دردناکی همگان را به درک شرایط حساس کشور و توجه به دشمنان قدیم و جدید آن فرا می‌خواند.»

آنها خیرخواه نیستند

محمدجواد آذری‌جهرمی، وزیر سابق ارتباطات در واکنش به حادثه تروریستی شاهچراغ در صفحه توئیتر خود نوشت:«خشونت راه رسیدن به آرامش و صلح نیست، اما شفقت نسخه نجات‌بخش است. ترور بزدلانه جمعی از زوار حرم احمدبن موسی‌علیه‌السلام که پس از اتفاقات و حوادث تلخ این روزها به‌ویژه حادثه تلخ زاهدان- رخ داد را محکوم می‌کنم و با بازماندگان قربانیان این حوادث ابراز همدردی می‌کنم.» وی در ادامه نوشت: «مردم ایران شایسته بهترین‌ها هستند، پیشرفت و آرامش «پایدار» هیچ‌گاه از مسیر خشونت قابل دسترس نیست؛ امروز بیش از پیش سرزمین ما نیازمند تجربه شفقت است؛ شفقت حاکمیت با مردم و مردم با مردم. از دید من، آنانی که با دندان‌های به‌هم‌فشرده، با تمام وجود به ترویج و آموزش و تجویز خشونت می‌پردازند، خیرخواه مردم نیستند. امیدوارم تلخی حوادث این ایام زمینه‌ای برای توقف سریع خشونت در کشور و پیش گرفتن همه‌جانبه راهبرد شفقت باشد».

زیان بزرگ صنعت گردشگری

رئیس کمیسیون گردشگری و کسب‌وکارهای وابسته اتاق ایران گفت: «صنعت گردشگری ایران بعد از بلای پاندمی کرونا، در حال جان گرفتن بود که با فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنت دوباره زمین خورد.» علی‌اکبر عبدالملکی با اشاره به تداوم فیلترینگ و محدودیت‌های اینترنت گفت: «صنعت گردشگری، صنعتی فراگیر و میان بخشی است و ازآنجاکه به شدت به تبلیغات و معرفی جاذبه‌های مختلف توریستی، صنایع دستی و... وابسته است در جریان محدودیت‌های اینترنت، آسیب زیادی متحمل شده است. بخش بزرگی از تعاملات فعالان حوزه گردشگری و صنایع مرتبط با آن از جمله تبلیغات، هنر، ورزش و... در دو پلتفرم واتس‌آپ و به‌ویژه اینستاگرام در جریان بود. فعالان این حوزه بعد از فیلترینگ تلگرام به این دو اپلیکیشن رجوع کرده بودند و در این سال‌ها خودشان را با این شرایط وفق داده بودند. اما متأسفانه باز هم با اعمال محدودیت‌های جدید کسب‌وکار آن‌ها با تهدید جدی مواجه شده است.»

اعتراض مدنی مردم

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران گفت: «مردم مدنی‌ترین شکل اعتراض را با شعار «زن، زندگی، آزادی؛ مرد، میهن، آبادی» دارند.» حسن موسوی‌چلک با بیان این که «آن‌چه که امروز می‌بینیم خشم پنهانی است که از گذشته باقی مانده است» گفت: «دولت‌ها باید شنوایی داشته باشند و به رسانه‌های آزاد و منتقد امکان فعالیت داد و حقوق شهروندی را به رسمیت شناخت.» به گزارش ایسنا او ادامه داد: «دولت باید فضای مطالبه‌گری را به رسمیت بشناسد و اگر نخبگان پرسشگری کنند نباید حذف‌شان کرد. دولت‌ها باید رسانه و نخبگان را به رسمیت بشناسند؛ چراکه مردمی داریم که پرسشگر و آگاه‌تر شده‌اند. نسل امروز نسل آگاه‌تری است و این نسل به راحتی همه چیز را قبول نمی‌کند.»

گوش شنوایی که نیست

یدالله اسلامی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در کانال تلگرامی خود یادداشتی را منتشر کرد که به گفته خودش مربوط به دو سال پیش است اما «کسی گوش نمی‌کند!». در بخشی از این یادداشت آمده است:«از همه توانمندی‌های سیاسی کشور بدون توجه به نگرش‌ها و سلیقه‌های سیاسی و فکری برای برون‌رفت کشور از تنگناها بهره می گرفتم. برای حل برخی از مشکلات و تصمیم گیری‌های مهم به همه‌پرسی روی آورده و برمبنای رای مردم اظهارنظر و اقدام می کردم...» وی در ادامه افزود:«خوب من که نمی‌توانم تصمیم بگیرم! پس باید با این خیالات که دست‌اندرکاران به خود آیند و گامی بردارند و تلاشی بکنند فریادی برآوریم ولی گوش‌ها سنگین‌تر از آن است که بشنوند!»

حق مناطق جنگی برای کارکنان در بوشهر دوباره برقرار می شود

نماینده مردم قصرشیرین، سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب در مجلس گفت: موضوع فوق‌العاده مناطق جنگی در اجرای ماده ۹۱ قانون دیوان امروز در هیأت عمومی مطرح و با نقض رأی قبلی مجدداً فوق‌العاده مناطق جنگی به کارکنان شاغل در شش استان مرزی شامل بوشهر، خوزستان، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان‌غربی و کردستان پرداخت می شود. اخیراً سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با استناد به رأی یک مرجع قضایی دیوان عدالت اداری، دریافت این حقوق را غیرقانونی دانسته و در بخشنامه‌ای به تمام ادارات و دستگاه‌های اجرایی از آن‌ها خواسته بود این ارقام از دریافتی های آن‌ها حذف شود که خوشبختانه با پیگیری‌های انجام شده این مطالبه اصلی و حق کارکنان شاغل استان‌های مرزی درگیر جنگ باز هم محقق شد.

کودکان بیشترین جمعیت درگیر آنفلوآنزا در بوشهر

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده، ظرفیت تخت‌های بستری استان از مبتلایان به آنفلوآنزا تکمیل شده است که بیشتر جمعیت این بیماران را کودکان زیر هفت سال شامل می‌شوند.
در همین ارتباط به خانواده‌هایی که کودکان خود را به صورت اختیاری به مراکز پیش‌دبستانی و مهدهای کودک می‌فرستند توصیه می‌شود برای مدیریت بیماری طی دو هفته آینده از حضور فرزندان خود در این مراکز پیشگیری کنند. بچه‌ای که دارای علائم آنفلوآنزا باشد در ابتدا پنج تا ۱۰ نفر و در روز سوم ممکن است نیمی از هم‌کلاسی‌های خود را مبتلا کند و به این روش موجب کندی روند آموزش و شاید تعطیلی برخی از کلاس‌ها شود.

مراکز درمان ناباروری دولتی بوشهر جانمایی شد

دبیر ستاد جوانی جمعیت و حمایت از خانواده استانداری بوشهر گفت: ۲ مرکز درمان ناباروری سطح ۲ و سه دولتی در بوشهر و برازجان جانمایی شد.
به گزارش خبرنگار ایرنا، رقیه زنگنه‌نژاد در سومین نشست ستاد جوانی جمعیت استان بوشهر اعلام کرد: به دنبال مصوبات پیشین ستاد جوانی جمعیت استان بوشهر، جانمایی مرکز ناباروری سطح ۲ در بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان و مرکز سطح سه در بیمارستان هسته‌ای بوشهر جانمایی شد.
وی افزود: از ابتدای سال جاری تاکنون ۲ هزار و ۷۴۹ زوج آموزش‌های پیش از ازدواج و فرزندآوری را زیر نظر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر فراگرفته‌اند.
زنگنه‌نژاد اضافه کرد: به منظور حمایت از زایمان طبیعی در استان بوشهر، ۶ هزار و ۱۲۰ مادر باردار برای زایمان طبیعی مباحث لازم را آموزش دیده اند.
دبیر ستاد جوانی جمعیت و حمایت از خانواده استان بوشهر با اشاره به اقدامات صورت گرفته در زمینه تبلیغات محیطی ازدواج آسان و فرزندآوری، گفت: در راستای فضاسازی مناسب شهرها در مکاتبه ای که با مدیرکل امور شهری و شوراهای استانداری صورت گرفت، مقرر شد تا شهرداری‌ها فضایی را مختص حوزه جمعیت در نظر بگیرند و تبلیغات به صورت مستمر انجام شود.

خشونت و علت های آن

دکتر مصطفی ملکیان



سیمون وی تعریفی از خشونت دارد. انسان، اگر عقلانیت فردی دیگر را در مقام نظر و بدون دلیل، و آزادی وی را در مقام عمل بدون حقی پاس ندارد نسبت به او خشونت ورزیده است.
به تعبیر کانت، انسانیت ما، به عقلانیت نظری و آزادی عملی ماست و اگر انسانی در نسبت با سایرین به این دو امر بی‌توجهی کند، به تعبیر فلسفی، آن‌ها را شخص ندانسته و شئ (چیز) دانسته است. در واقع، خشونت یک فرآیند است که نتیجه این فرآیند، شئ شدگی یک شخص است.
اگر بفهمیم چه می‌شود که فردی، نسبت به دیگری دست به خشونت می‌زند، با اندکی تعدیل، متوجه می‌شویم چرا یک جماعت نسبت به جماعتی دیگر خشونت می‌ورزد.

۱- آشکارگی حقیقت

اگر انسان به لحاظ معرفت‌شناسی، معتقد باشد که حقیقت آشکار است، لامحاله دست به خشونت خواهد زد. فردی معتقد است که در باب یک موضوع، حقیقت کاملاً واضح است، کسانی که در مقابل این حقیقت موضع می‌گیرند، از نظر او انکار یک حقیقت واضح می کنند (مثلاً می گویند که ۲ علاوه بر ۲ می‌شود ۳)، و این انکار حقیقت عیان، احساس منفی در فرد ایجاد می کند چرا که انکار حقیقت از جانب دیگران را، به جهل آن‌ها نسبت نمی‌دهد و فرد راهی جز ابراز خشونت در مقابل خود نمی‌بیند. اما اگر شخص به نظریه معرفتی ناآشکاری حقیقت باور داشته باشد در این حالت، معتقد استَ که حقیقت پیچاپیچ است و در برابر مخالفت دیگران، نرم می‌شود چرا که واقف است که حقیقت آشکار نیست و این قابل پذیرش است که درباره یک موضوع، تفاوت آرا وجود داشته باشد. در این حالت، فرد در برابر مخالفان، خشونت نمی‌ورزد.
پلورالیسم و تکثرگرایی، حقیقت را آشکار نمی‌داند فلذا، مدارای بیشتری نسبت به مخالفان خود نشان می‌دهد.اما نظریه آشکارگی حقیقت، یک تعبیر مأنوس‌تری هم دارد و آن ایدئولوژی‌اندیشی است. اگر فردی در موضوعی، حقیقت را آشکار و عیان پنداشت، حداقل در آن موضوع ایدئولوژیک‌اندیش است.
ایدئولوژیک‌اندیش کسی است که معتقد است جواب هر سوالی واضح و معلوم است و نزد اوست. ترکیب آشکارگی حقیقت با این که حقیقت نزد فرد است، او را ایدئولوژیک می کند. این ایدئولوژی می‌تواند مذهبی، لائیک، سکولار، سوسیال یا لیبرال باشد. ایدئولوژیک‌اندیشی، لزوماً خشونت‌زاست و هیچ تفاوتی هم نمی کند که به کدام مکتب نسبت داده شود.
علت دیگری که فرد را ایدئولوژیک می کند، این است که فرد فاقد دلیل برای مدعای خویش است. اگر چنین باشد، انسان مجبور است رگ گردن خود را به عنوان حجت قوی کند و این آغاز خشونت است که در زبان بدن و کردار ظهور می‌کند.

۲- احساس ضعف

اگر انسان در برابر دشمن و مخالف خود احساس ضعف کند، به خشونت روی می‌آورد. انسان وقتی که اعتماد به نفس ندارد و خود را در برابر مخالف خود ضعیف می بیند، به خشونت روی می‌آورد. به زبان روانشناختی، عقده‌ی حقارت همیشه خشونت‌آور است. وقتی انسانی خود را حقیرتر از بقیه بداند، دست به خشونت می‌برد.

۳- آرمان های غیرواقع گرایانه

کسی که بخواهد جهان را به صورتی که نشدنی است شکل دهد و بخواهد کاری نشدنی را انجام دهد، مجبور است که خشونت بورزد. کسانی که آرمان های غیر واقع گرایانه دارند، در نهایت دست به خشونت می‌برند. حکومت لنینی-استالینی شوروی قصد داشت که جامعه بی‌طبقه ایجاد کند و انسانی ایجاد کند که به اندازه توان خود کار کند و اندازه ی نیاز خود بردارد. مردم شوروی چنین نشدند و اتحاد جماهیر شوروی نیز در طول حکومت خود، ۸۰ میلیون نفر انسان را نابود کرد. لذا در تمام آرمان‌های فردی و اجتماعی این واقع گرایی ضروری است چرا که در غیر این صورت، راهی جز خشونت باقی نمی‌ماند.

۴- از بین رفتن فضای حیاتی

زمانی که انسان احساس کند که فضای حیاتی خود را از دست داده است، ابراز خشونت می کند. این فضای حیاتی در دو حالت ایجاد می‌شود:
۱. اگر فردی یا اجتماعی چنین استنباط کند که در ادامه وضع کنونی، حتی از ضروریات زندگی هم محروم خواهد شد، خشونت می‌ورزد. به تعبیر آبراهام مزلو، اگر روزی انسان چنین استنباط کند که نیازهای قاعده هرم زندگی وی (ضروریات زندگی) قابل تأمین نیست، فضای حیاتی خود را در خطر می‌بیند و دست به خشونت می‌زند. چرا که فرد در این حالت چیزی برای از دست دادن ندارد و اگر به وسیله خشونت ورزی، احتمال به دست آوردن چیزی باشد، ممکن است که وی دست به خشونت بزند.
۲.اگر نیازهای ضروری (رتبه اول) تأمین شود، اما نیازهای مرتبه ی دوم تا ششم تأمین نشود، و نهادهای اجتماعی اجازه ندهند که فرد نیازهایی چون پیوستن به گروه های اجتماعی، کسب حیثیت اجتماعی و تعلق خاطر را از طرق مسالمت‌آمیز تأمین کند، فرد دست به خشونت می‌زند.
تا زمانی که این عوامل وجود دارد، خشونت نیز وجود دارد. در میان این عوامل، ایدئولوژیک اندیشی و احساس از بین رفتن فضای حیاتی(فقر مفرط)، بیشترین تأثیر را در اعمال خشونت دارند.

- سمینار درباره خشونت، مؤسسه پرسش
@mostafamalekian

فوت ٦٣ بانوی بوشهری به‌دلیل سرطان سینه در یک سال

کارشناس سلامت میانسالان معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: یکی از بیماری‌های شایع زنان سرطان سینه است و در سال گذشته ۶۳ نفر از بانوان هم‌استانی به‌علت ابتلا به این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. با غربالگری و تشخیص به‌موقع سرطان سینه می‌توان به درمان سریع و به‌هنگام این بیماری کمک کرد و شاهد کاهش آمار فوت به علت ابتلا به این بیماری باشیم. خدمات مامایی و تشخیص زودهنگام سرطان‌های شایع زنان در کلیه مراکز خدمات جامع سلامت استان انجام می‌شود.

تصمیم عجیب و غریب دولت:

هزار میلیارد در جیب صداوسیما به خاطر فیلترینگ اینستاگرام!

قطعی اینترنت‌ها آسیب‌های سراسری و جدی داشته که نمی‌توان آن را انکار کرد، از قطعی اینستاگرام و از بین رفتن کسب‌وکارهای مجازی گرفته تا نابودی استارتاپ‌های ایرانی.
بر اساس اعلام وزارت صمت اقلا ۳۵۰ هزار واحد صنفی اینستاگرامی از فیلترینگ لطمه خورده‌اند، میلیون‌ها نفر بر اساس اعلام اتاق بازرگانی ایران با این فیلترینگ دچار چالش در زندگی شده‌اند.
حالا اما برای حمایت از این افراد ردیف بودجه ۱۰۰۰ میلیارد تومانی در اختیار تلویزیون قرار می‌گیرد تا از این کسب و کارهای آسیب‌دیده حمایت شود.
استارتاپ‌ها میلیون‌ها دلار آسیب اقتصادی دیدند، اما صداوسیما هزار میلیارد تومان بودجه گرفت./ خبرآنلاین

سید هادی خامنه‌ای:

مردم در بدترین شرایط اقتصادی هستند، اما مسئولان دولتی از بهبود اوضاع می گویند

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدهادی خامنه‌ای گفته شما همین الان می‌بینید که مردم در بدترین شرایط اقتصادی هستند، اما مسئولان دولتی از بهبود اوضاع می‌گویند، پیداست اینها اصلاً در بازار و میان مردم نیستند و از قیمت‌ها و تورم و رکود خبر ندارند. نمی‌شود فرزندان مردم برای کار و بدیهیات زندگی در اینجا معطل بمانند و فرزندان و خانواده بعضی مسئولان در خارج از کشور از بهترین امکانات برخوردار بشوند. این تبعیض و نابرابری از چشم مردم مخفی نمی‌ماند.

۹ میلیون شاغل اینستاگرامی شوخی نیست

- براساس گزارش سال گذشته مرکز آمار ایران، معادل ۱۱ میلیون نفر از طریق شبکه‌های مجازی کسب درآمد می‌کنند. از این میزان حدود ۹ میلیون نفر یعنی ۸۳ درصد از طریق اینستاگرام در حال کسب درآمد هستند.
محمدرضا راوند، دبیرکل سازمان ملی کارآفرینی ایران در نشست «بررسی اثرات محدود سازی اینترنت بر کسب و کارها» که توسط دبیرخانه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی برگزار شد، می گوید «هر مسئولی که ادعا دارد این عدد ۹ میلیون ساختگی است، بیاید تا من و همکارانم درستی ماجرا را به او نشان دهیم.»/ اکوایران

رکوردهای جدید پلتفرم های فیلتر شده در ایران

براساس آمار رسمی، تعداد کاربران فعال ماهانه‌ی اینستاگرام به دو میلیارد نفر رسیده است و در همین حین «روزانه» بیش از دو میلیارد نفر مشغول استفاده از واتساپ هستند.
اینستاگرام در حالی به رکورد دو میلیارد کاربر فعال ماهانه رسیده که هم‌اکنون در ایران بدون ابزارهای تغییر غیرقابل‌دسترس است./ زومیت

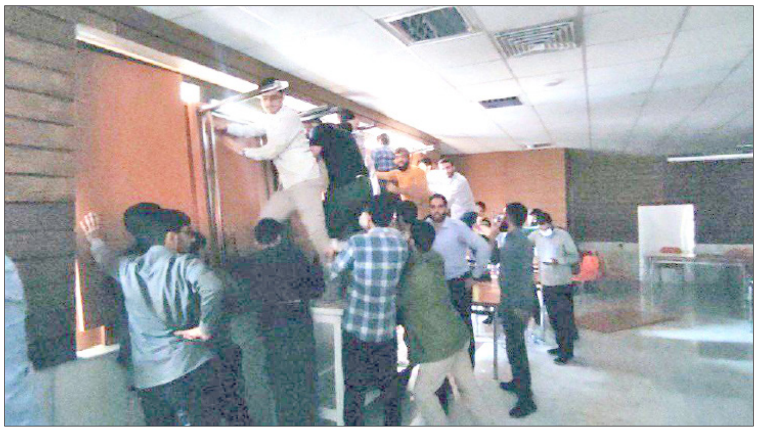
رئیس‌پلیس زاهدان برکنار شد

شورای تأمین سیستان و بلوچستان: فرمانده انتظامی زاهدان و رئیس کلانتری ۱۶ این شهر از سمت خود عزل شدند./فارس

این عکس در تاریخ ایران ثبت خواهد شد:

نبرد سلف!

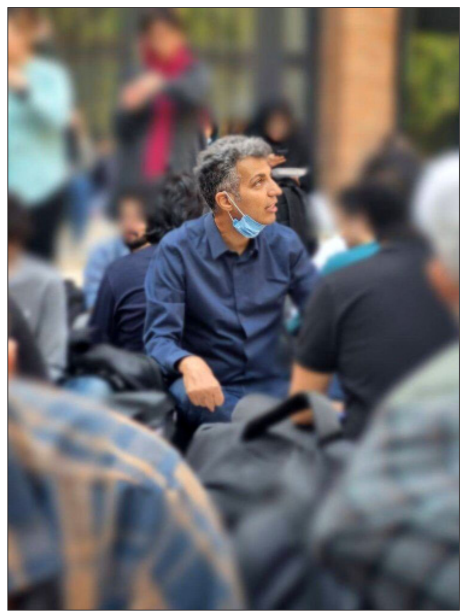
عصر ایران – به این عکس که احتمالاً به بخشی از تاریخ معاصر ایران تبدیل خواهد شد، نگاه کنید: دانشجویان دانشگاه شریف، خواستار بودند که جداسازی جنسیتی در سالن های غذاخوری برداشته شود و به همین خاطر، دختران و پسران دانشجو، می خواستند با هم وارد سلف شوند. در مقابل، گروه اندکی از دانشجویان اصولگرای مستظهر به قدرت خارج دانشگاه با میزهای غذاخوری، پشت پنجره ها سنگربندی کرده اند تا مانع از ورود شوند که البته در نهایت دانشجویان موفق می شوند وارد سلف شوند.



در این باره چند نکته را می توان مورد تأمل قرار داد:

۱ – ماجرا از این منظر تأثرآور است که آن چه در تمام دنیا و حتی کشورهای اسلامی، امری عادی و متعارف است، در ایران "مسأله" و فراتر از آن "کنش سیاسی" است. به هزار تأسف باید گفت که موضوعی به نام غذا خوردن دانشجویان در یک سالن، در ایران به مسأله تبدیل شده و موافقیت یا مخالفت با آن، شده است کنش سیاسی!

۲ – این موضوع نشان می دهد آن چه در بطن اعتراضات اخیر و مقاومت های موجود در برابر آن می گذرد، موضوع جدی تر و عمیق تری است به نام "سبک زندگی" و این که ایرانیان جوان تر، نمی خواهند دقیقا مانند پدران و مادران خود زندگی کنند و نکته اینجاست که بسیاری از "نسل قبلی" ها هم با فرزندان خود هم آوا هستند و به آنها حق انتخاب در تنها شانس شان برای زندگی می دهند.



سبک زندگی، نه یک قانون است که با مصوبه مجلس رسمیت یابد و نه یک پادگان که با نیروی نظامی محافظت شود؛ سبک زندگی، نحوه زندگی است که در سراسر لحظات زندگی شهروندان جریان دارد و هیچ حکومتی را تاب مقاومت در برابر آن نیست. همین نزاع اخیر که بر سر گشت ارشاد پدید آمد، مصداقی از این موضوع است که در یک سو، حکومت کوشید با بودجه های فراوان و تبلیغات گسترده و استفاده از نیروی پلیس و دادگاه و ... زنان را به پوشش خاصی وادار کند ولی چون سبک زندگی آنها مبتنی بر پوشش متعارفی بود که امروز در جامعه جریان دارد، نه تنها کاری از پیش نبرد، که متحمل هزینه های سنگین نیز شد.

سبک زندگی در گذر زمان شکل می گیرد و تغییر می کند و تنها راه خردمندانه حکومت ها، به رسمیت شناختن و محترم شمردن آن است.

۳ – سردبیر محترم یکی از رسانه های اصولگرا نوشته بود: "از سلف مختلط شروع می کنند و کم کم به خوابگاه مختلط و استخر مختلط می‌رسند."

رویکرد بردن خط مقدم به مرزهای دشمن، استراتژی درست و هوشمندانه است. مثلاً در مبارزه با داعش، گفته می شد که بهتر است با داعش در محل استقرارش – که سوریه بود – بجنگیم تا فرصت نکند به داخل ایران بیاید یا با همین نگاه، نیروهای تحت حمایت ایران در لبنان با اسرائیل درگیر هستند و این یعنی مشغول کردن دشمن در مرزهای خود تا به مرزهای ما نزدیک نشود.

این که اگر امروز سلف را مختلط کنیم فردا استخر مختلط می خواهند، مبتنی بر همین نگاه است اما یک نکته ساده وجود دارد: آن نگاه استراتژیک، معطوف به دشمن است نه ملت خودمان. دانشجویان نه داعشی اند و نه اسرائیلی که باید در خطوط عقب تر مشغول شوند؛ آنها ایرانی اند. روش های مقابله با دشمن را که نباید در برابر مردم خودمان به کار ببرند.

۴ – نابخردانه نیست؟ همین دانشجویان در کلاس و آزمایشگاه و محیط های عمومی دانشگاه و بیرون دانشگاه، کنار هم هستند ولی در آن نیم ساعتی که غذا می خورند، باید از هم جدا شوند! اصلا بیایید از منظر شرعی به موضوع بنگریم: چه کسی به تصمیم گیرندگان حق داده است حلال را حرام کنند و برعکس؟ کجای دین اسلام آمده است که غذا خوردن زن و مرد در یک سالن حرام است؟ اگر چنین حکمی داشتیم که لابد در این چهل و چند سال، همه رستوران ها و کافه های شهری و بین شهری باید زنانه – مردانه شده بود!

پس آن چه دانشجویان خواسته اند، منافاتی با دین ندارد. می ماند خوابگاه مختلط که در جهان امروز هم مرسوم نیست و حتی در زمان حکومت شاه هم، نبود و دانشجویان هم مطالبه اش نمی کردند.

درباره استخر مختلط هم چنان صحبت می کنند که انگار دانشگاه های ایران استخر دارند و مساله دانشجویان هم اختلاط در استخر است!

مبتذل کردن مطالبات مردم، شگردی است که که دیگر کار نمی کند؛ یعنی یک موضوع نازل را به عنوان خواسته معترضان بیان و سپس همه مطالبات را ذیل آن می برند و له می کنند. همین چندی پیش بود که معاون وزیر ورزش (یامین پور) درباره معترضان به حجاب اجباری گفت "الان روسری را زده روی چوب و روی بلندی ایستاده، فردا شورتش را روی چوب می زند" ! و حال آن که فارغ از قضاوت ارزشی، سخن از حجاب اختیاری در برابر حجاب اجباری بود و احتمالاً صحنه ای که معاون وزیر گفته است، تا کنون در هیچ جای دنیا شکل نگرفته است جز در مخیله خلاقه ایشان!

۵ – تصویری که گروهی از دانشجویان طیف اصولگرا را درون سلف نشان می دهد، بسیار تکان دهنده است. واقعاً چگونه یک گروه اندک می توانند به خودشان حق بدهند که با میزهای غذاخوری، درون سلف سنگر درست کنند و در برابر خواسته اکثریت بایستند و باعث شوند کار به درگیری کشیده شود؟ این تصویر، کاریکاتوری است از آنچه در عرصه گسترده تر سیاسی و اجتماعی رخ می دهد و کار را به بحران کنونی کشانده است.

تجربه ثابت کرده است که بسیاری از جوانان تندروی امروز، در آینده دچار پشیمانی و چرخش در مواضع خواهند شد و چند سال بعد، درباره افراد موجود در این عکس نیز شاهدش خواهیم بود. اما هزینه هایی که تندروی ها تحمیل می کنند، هرگز جبران نمی شوند و آثار سوء دراز مدت آن برای مدت های مدیدی جامعه را خواهد آزرد.

۶ – دیروز و بعد از وقایع ذکر شده، مسوولان دانشگاه شریف بیانیه داده اند که تعدادی از دانشجویان را که در وقایع مربوط به سلف سرویس نقش داشته اند، ممنوع الورود کرده اند. آیا در بین ممنوع الورودی ها، از اینانی که سلف را سنگربندی کردند نیز هست یا فقط ممنوعیت و محدودیت و مجازات متوجه دانشجویان اکثریت است؟

همچنین خبر آمد که بعد از وقایع اخیر، مسوولان دانشگاه تصمیم گرفتند سلف را تعطیل و غذا را بیرون سالن به دانشجویان عرضه کنند! این، نمونه ای است کوچک از روش همیشگی مسوولان در مواجهه با قضایا که چیزی نیست جز "پاک کردن صورت مسأله"!

۷ – و سخن آخر: مردم ایران دستکم در هفت هزار سال گذشته، با مهر و مدارا در کنار هم زندگی کرده اند؛ بین شان دیوار نکشید و آنها را در برابر هم قرار ندهید.

مسئله جوانان و مسئله اصلاح‌طلبان

حسین نورانی‌نژاد

یکی از پرسش‌های درست ما اصلاح‌طلبان از منتقدان رادیکال این بوده که راه‌حل شما چیست؟ اینک ورق برگشته و در شرایطی که اصلاح‌گری متعارف مسدود شده و کار نمی‌کند، آن دسته از اصلاح‌طلبانی که به مخالفت یا مرزبندی با معترضان برخاسته‌اند باید بگویند راه‌حل‌شان چیست و اساسا چه نقدی به آنها دارند؟

راحت و ساده ماجرا چنین است. جوانی را فرض کنید که تفکر و ارزش‌های خاص خودش را دارد. در پایه‌گذاری وضع موجود در گذشته هیچ مشارکتی نداشته و باید در چارچوبی که پدرانش برای او چیده‌اند، زندگی کند. این چارچوب با کیفیت زندگی مطلوب او سازگاری ندارد. همین ساختار در تامین زندگی معیشتی او هم عاجز است و در عین حال با همه جزئیات زندگی او کار دارد. این‌که چه بپوشد، چه بخورد، چه نخورد، چه اعتقادی داشته باشد و... و اگر به این همه باید و نباید سر خم نکند، زندگی‌اش از همینی که هست، بدتر خواهد شد.

می‌خواهد حرفش را به گوش متولیان امر برساند، اما یک نفر در نهادهای انتخابی و انتصابی نمی‌شناسد که امکان یا علاقه‌ای برای نمایندگی او داشته باشد. خودش هم که امکان ورود به این نهادها را ندارد، چون مختص افرادی خاص با افکاری خاص است.

به گذشته رجوع می‌کند، می‌بیند عده‌ای برای اصلاح این شرایط تلاش کرده‌اند؛ ولی موفق نشدند. به وضعیت حقیقی و حقوقی ساختار نگاه می‌کند، چشم‌انداز تغییر نمی‌بیند. چون نه ساختار حقیقی انعطافی دارد و نه ساختار حقوقی منفذی برای امثال او جهت تغییر رویه‌ها گذاشته است. در صداوسیما و رسانه‌های رسمی هم که اصلا به رسمیت شناخته نمی‌شود و اگر نفی نشود، حتما دیده هم نمی‌شود. نه علقه‌ای به سیستم و ایدئولوژی آن دارد و نه ارتباطی با صاحبان آن. دو گروه در دو دنیای موازی اما در سرزمینی مشترک.

تمام شد؟ نه. کاش در همین حد بود. این جماعت نادیده گرفته شده تحت انواع و اقسام فشارهای دیگر هم هست. وقتی زنان را پشت در استادیوم کتک می‌زنند، همه آنها حس کتک‌خوردگی دارند چون کم‌ترین درکی از دلایل این منع بیهوده و بی‌دلیل نمی‌یابند. وقتی مادری به دنبال ماشین گشت ارشاد فریاد می‌زند دخترم مریض است، نبریدش و آن ماشین ون بی‌رحمانه راهش را می‌کشد و می‌رود، غرور و غیرت آن جوان زخمی می‌شود. وقتی می‌بیند در بگومگو بین دو شهروند در یک اتوبوس،یکی از چه حمایت تمام‌عیاری برخوردار می‌شود و آن دیگری، سپیده رشنو که شبیه‌تر به خودشان است، به چه گرفتاری سختی دچار می‌شود و تمامیت یک سیستم از نیروی امنیتی و انتظامی تا صداوسیما و قوه قضائیه در برابرش قرار می‌گیرند، احساس تحقیر و زور شنیدن تمام وجودش را می‌گیرد. وقتی در یک برنامه موسیقی معمولی مجوزدار، ناگهان یک مامور حراست با قلدری برنامه را به هم می‌ریزد، آن جوان هم به‌هم می‌ریزد. وقتی می‌بیند مشاغل خوب برای از ما بهتران است، خودش هیچ امنیت شغلی و زندگی و احترامی ندارد، افق روشنی پیش رویش نیست و به‌رغم آن که در کوچه و خیابان و شهر به شهر کشور می‌بیند که اکثریت است اما با او مثل یک زایده رفتار می‌شود، خشمگین می‌شود. باز به گذشته برمی‌گردد و می‌بیند کسانی خواسته‌اند با استفاده از ظرفیت‌های قانونی این وضعیت را بهبود بخشند و نتوانسته‌اند. حالا او چه کند؟ مهاجرت کند؟ چند نفرشان می‌توانند؟ آنها که مانده‌اند چه کنند؟ آیا فریاد و اعتراض و اصلا ما بگوییم اغتشاش، کم‌ترین علامت حیاتی چنین فردی نیست؟ و اگر با او به تندی رفتار شد، حق ندارد که انتظار حمایت داشته باشد.

روایت ماجرا به همین سادگی است. راه‌حل‌اش البته به این سادگی نیست، اما خود مسئله به همین سادگی است. گاهی پیچیده کردن روایت‌ها برای فرار از واقعیت‌ها و گریز از پاسخ‌های سخت است. مسئله این نیست که اصلاحات با شعارهای چنین معترضانی چه نسبتی دارد تا بر اساس آن با آنها مرزبندی کند یا نکند. شعارهای آنها امر ثانوی است. اصل، آن مطالبات است و راهی که برای اظهارشان نیست و به‌رسمیت شناخته نمی‌شوند و حالا با چسبیدن به فرعیاتی چون زبان و شعار آنها، از پاسخ سخت به اعتراض اصلی آنها طفره می‌رویم. این مواجهه در مرام اصلاح‌طلبی نبود و انشالله نباشد./ روزنامه هم میهن

واکنش سید محمد خاتمی به حادثه تروریستی شیراز:

تقاضای زندگی خوب، امن و عادلانه از سوی مردم، تقاضای طبیعی است



سیدمحمد خاتمی در پیامی در پی وقوع حادثه تروریستی در شیراز، ضمن محکوم کردن خشونت به هر شکل، با بازماندگان قربانیان خشونت در شیراز و تهران و زاهدان و مازندران و کردستان و جای‌جای میهن ابراز همدردی و تأکید کرد خشونت را با خشونت نمی‌توان پاسخ داد.

متن کامل پیام سیدمحمد خاتمی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

حادثۀ تروریستی شیراز که به جان‌باختن عده‌ای از هموطنان عزیز و آسیب‌دیدن عده‌ای بیشتر منجر شد، نشان داد که خشونت تا چه حد می‌تواند بی‌رحم و مصیبت‌بار باشد.

ضمن محکوم کردن این حرکت پلید و دردآفرین، برای جانباختگان عزیز رحمت واسعه الهی و برای آسیب‌دیدگان، بهبودی از خداوند منان طلب می‌کنم.

آن چه در جامعه ما جاری‌ست و می‌توان ریشه‌های آن را از دیرباز جستجو کرد و رو به سوی آزادی و زندگی دارد، درخور توجه است؛ ولی با کمال تأسف بروز خشونت –از هر طرف که باشد– دل‌ها را آزرده می‌کند.

زیستن اولین حق هر انسانی است و بهزیستن انسان‌ها باید هدف و رسالت نظام‌ها و حکومت‌ها باشد. ملاک ارزیابی یک نظام و یک حکومت این است که تا چه حد، زمینه بهزیستی مردم را فراهم می‌آورد. تقاضای زندگی خوب، امن و عادلانه از سوی مردم، تقاضای طبیعی است و اگر ببینند شرایط این زندگی فراهم نیست، حق دارند انتقاد و حتی اعتراض کنند. ولی در همه حال انتقاد و اعتراض باید متوجه نفی خشونت هم باشد و نباید خود به خشونت آلوده شود. مخصوصاً در شرایطی که بدخواهان ایران و ایرانی در بیرون مرزهای کشور با حربه‌های غیرانسانی مانند تحریم و یا تشویق خشونت برای بهره گیری از خون پاک جوانان کشور امیدهای واهی در سر دارند.

ضمن عرض تسلیت و ابراز همدردی با همه کسانی که عزیزان خود را در حادثه تروریستی اخیر شیراز و پیش از آن از تهران تا زاهدان و مازندران و کردستان و جای جای میهن از دست داده‌اند، تأکید می‌کنم که خشونت را با خشونت نمی‌توان پاسخ داد، هرچند باید با خشونت‌گران مقابله کرد.

برای بهبود اوضاع و فراهم آمدن فضای زندگی امن و سالم و برخوردار برای همه، بخصوص حکومت‌ها باید موازین حکمرانی خوب را رعایت کنند و ضمن شنیدن صدای انتقاد و اعتراض – حتی اگر ناحق باشد – زمینه را برای فراهم آوردن رضایت مادی و معنوی مردم فراهم آورند.

من نیز به نوبه خود در آشکار و نهان راه‌هایی که به این امر مبارک منتهی می‌شود و امنیت را پایدار و آزادی و توسعه و پیشرفت را تأمین می‌کند در حد فهم و توان اندک خود نمایانده‌ام. امید است که گوش‌ها شنوا و دل‌ها پذیرا شود.

بیانیه کانون وکلای دادگستری بوشهر در محکومیت حمله تروریستی به شاهچراغ

به کدامین گناه کشته شدند..!؟



باری دگر دگم اندیشی و کج باوری ز آستین جهل و جهالت، حریم حرم را به خون آغشته کرد و به نام دین، دین باوری را به مسلخ کشاند.

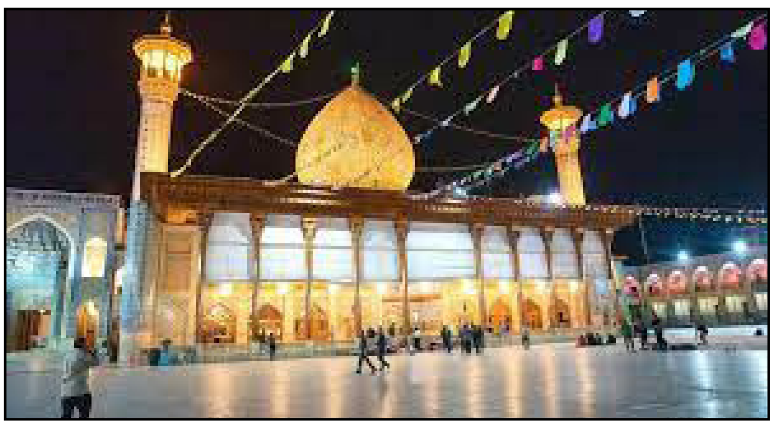
حرکت کور، متوحش، نابخردانه، غیرانسانی و ضد اسلامی حمله ترویستی به بارگاه احمدبن موسی حضرت شاهچراغ(ع) که ده ها شهروند مظلوم و بی گناه را مورد هدف وحشیانه قرار داده و به خاک و خون کشیدند، دل همه مهرورزان به انسانیت را بدرد آورده است.

کشتار مردم بی گناه و بی دفاع، نشان از تکفیری، درماندگی و استیصال آمران و عاملان این فجایع دارد که تنها به دنبال خودنمایی، ایجاد ترس و واهمه در جامعه هستند.

کانون وکلای دادگستری استان بوشهر با محکومیت این رخداد دلخراش ضمن ابراز همدردی با خانواده قربانیان این جنایت تروریستی و آرزوی صبر و شکیبایی برای ایشان، از مجامع بین المللی، به ویژه سازمان ملل و دیوان کیفری می خواهد با بکارگیری روشی مناسب در مبارزه با تروریسم و دین ستیزی که در سنوات اخیر، معضلی جهانی است گام موثر بردارد و با ریشه یابی و تضعیف بنیان های فکری این فجایع تکفیری در بسط و گسترش صلح جهانی، کوشا باشند.

همچنین تعقیب و محاکمه عاملان و آمران فجایع اخیر را از سران کشورهای مربوطه پیگیری نمایند.

(روابط عمومی کانون وکلای دادگستری استان بوشهر)



سه نکته درباره حادثه تروریستی شاهچراغ :
۴۰ روز غم و یک غصه دیگر

شلیک به «همه مردم ایران»

عصر ایران - بیش از ۴۰ روز است که غم، تمام ایران را فرا گرفته است و حادثه تروریستی حمله به حرم حضرت احمدبن موسی (ع) در شیراز -معروف به شاهچراغ - غصه ای مضاعف شد تا همچنان اشک، مهمان چشمان ایرانیان عزادار شود.

درباره این اقدام وحشیانه چند نکته قابل توجه است:

۱ – همه باید این حمله را محکوم کنند. این که هر کسی چه تحلیلی درباره این حمله دارد، موضوع دوم است؛ اولین کار، محکومیت تروریسم است که بلای جان انسان معاصر شده است و از افغانستان و پاکستان و ایران تا اروپا و آمریکا و ژاپن را با خون بی گناهان رنگین کرده است.

همه ما، شریک عزای خانواده های شهدای شاهچراغ هستیم و کنارشان می مانیم؛ ما یک ملتیم.

۲ – تروریسم، آن گاه که با ایدئولوژی می آمیزد، غیر انسانی تر می شود و هیولاهایی مانند داعش پدید می آورد. بر علمای ادیان، مذاهب و فرقه های مختلف است که اذهان پیروان خود را از لاطائلاتی مانند "واجب شدن بهشت در صورت کشتن پیروان دیگر باورها" پاک کنند و الا شریک جنایات تروریست ها هستند. مگر جز این است که وهابی های قائل به مهدورالدم بودن شیعیان، این مهملات را از برخی علمای جاهل و جاهل پرور خود فرا گرفته اند؟ و مگر انتظار عجیب و غریبی است که علمای دیگر، در برابر آنان روشنگری کنند و منادی "اسلام رحمانی" در برابر "اسلام خشونت ورز" شوند؟!

۳ – استفاده سیاسی و تفسیرهای جناحی از حادثه تروریستی شاهچراغ، اقدامی ننگین و مصداق بارز "کاسبی با خون به ناحق ریخته شده شهدای شاهچراغ" است. از "کار خودشونه" تا "نتیجه اعتراضاته" آن هم در شرایطی که هنوز شهدا حتی کفن هم نشده اند، چیزی جز نمک پاشیدن بر این زخم نیست. کسی که مردم را به گلوله بست و آنان که او را فرستاده بودند، مصداق واقعی "دشمنان ملت ایران" هستند. آن تروریست، در لحظه ای که به سمت مردم حاضر در حرم شلیک می کرد، برایش فرقی نداشت که قربانی پیش رویش، چه گرایش سیاسی دارد؟ معترض است؟ بسیجی است؟ اصولگراست؟ اصلاح طلب است؟ یا حتی برانداز؟ او به "مردم ایران" شلیک می کرد. فهم این نکته، چندان سخت نیست.

این که در داخل خانواده دچار اختلاف هستیم، دلیل موجهی نیست که اگر کسی آتشی به خانه بیفکند، انگشت اتهام را متوجه هم کنیم و از آن که پشت دیوار شیطنت می کند غافل شویم. اختلافات جای خود دارد و باید که به خرمندانه ترین شکل ممکن و در داخل همین خانواده حل شود ولی آتش بیرونی را به هم نسبت دادن، نه تنها به فرونشاندن آن کمک نمی کند، که با خشمگین تر شدن اعضای خانواده، آتش را شعله ورتر می کند.

لااقل در این یک مورد، عقلانیت به خرج دهیم؛ باشد که غم ها و غصه ها از این سرزمین بروند و رضایت و آرامش بار دیگر در ایران ما، جوانه زنند.

پیام تسلیت حزب اتحاد ملت به مناسبت حادثه تروریستی حرم شاه‌چراغ

حزب اتحاد ملت در پیامی به مناسبت حادثه تروررستی حرم شاه‌چراغ نوشت:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جنایت تروریستی در حرم مطهر حضرت احمد بن موسی شاهچراغ که به جان باختن ۱۳ نفر و جراحت بیش از ۳۰ نفر از هموطنان مظلوم‌مان در شیراز انجامید بی‌شک خشونتی وحشیانه و بی‌رحمانه بود که قلب همه ایرانیان را جریحه‌دار کرد. جنایت با هر انگیزه و توسط هر فرد و جریان محکوم است خاصه آن که علیه بی‌دفاع‌ترین شهروندان اعمال شود.

همچنین تاکید داریم بر این‌که ترور و وحشت‌افکنی مایه انزجار است و نباید به بهانه آن خشونتی علیه شهروندان معترض به کار بست .

حزب اتحاد ملت ایران اسلامی با ابراز تأسف و تاثر از وقوع این فاجعه دردناک و تسلیت به بازماندگان و عموم ملت ایران از دستگاه‌های مسئول می‌خواهد که با ریشه‌یابی دقیق، عاملان و آمران و طراحان این جنایت و وابستگی احتمالی آنان به گروه‌های خشونت‌طلب داخلی یا خارجی را روشن و متهمان را به دست عدالت بسپارند و به قصورها و تقصیرهای احتمالی تامین کنندگان امنیت حرم شاهچراغ که برای رخداد این جنایت ایجاد فرصت و امکان کرده است، رسیدگی نمایند.

حزب اتحاد ملت ایران اسلامی

اطلاعیه مجمع ایثارگران در پی وقوع حادثه تلخ تروریستی در حرم شاهچراغ شیراز

متاسفانه در بحبوحه وقوع برخی اعتراضات در کشور و عدم توجه مسئولین به درخواست های قانونی احزاب برای برگزاری دست کم یک تجمع در چارچوبی معین، امروز خبر رسید که حرم شاهچراغ شیراز توسط عواملی ناشناس، مورد حمله تروریستی قرار گرفته است، اتفاقی که منجر به از دست رفتن جان عزیز ۱۵ تن از هموطنانمان شد و عده ای را نیز روانه بیمارستان کرد.

واسفا از این حادثه تلخ که قلب هر انسان آزاده ای را به درد می آورد. بدون شک اقدامات تروریستی از سوی تمامی شهروندان قانون‌مدار ایرانی و همچنین جریانات سیاسی درون کشور محکوم بوده و مجمع ایثارگران نیز همپای ملت ایران، هرگونه عملیات تروریستی را با هر انگیزه ای محکوم می کند.

مجمع ایثارگران همچنین بار دیگر هر گونه خشونت را در جامعه، همچون سمی مهلک می پندارد که کالبد نحیف آزادی و استقلال را به کام مرگ و نابودی می کشاند. لذا همچون گذشته، بازگشت به مردم و شنیدن صدای آنها را در کنار نفی هرگونه ترور و خشونت، تنها نسخه شفابخش جامعه امروز می داند و در این مسیر پافشاری خواهد کرد.

در پایان، جا دارد که به خانواده های داغدار این حادثه تروریستی و همچنین ملت شریف ایران تسلیت گفته و از خداوند منان برای بازماندگان این فاجعه آرزوی صبر جمیل داشته باشیم.

دکتر غلامعلی افروز در گفت‌وگو با ایسنا:

«امنیت روانی» مهمتر از «امنیت انتظامی» است

تقویت امنیت روان در گرو تقویت معیشت و خدمات اجتماعی

روانشناس و استاد ممتاز دانشگاه تهران با بیان این که از دست دادن احساس امنیت روانی منجر به ایجاد تعارضات روانی و نهایتا پدیدار شدن مشکلات جدی نظیر عدم تمرکز در افراد می‌شود، بر اهمیت "امنیت روانی" در قیاس با "امنیت انتظامی" تاکید کرد و گفت: تقویت احساس امنیت روانی در گروی تامین امنیت معیشتی و برآورده کردن حداقل‌های اقتصادی خانوارهاست.

به گزارش میگنا دکتر غلامعلی افروز در گفت‌وگو با ایسنا، در تحلیل روانشناختی حوادث اخیر اظهار کرد: در هر کجای دنیا وقتی احساس ناامنی در خانواده‌ها و جوامع حاکم شود، تعارضات روانی افراد آن جامعه نیز بیشتر می شود چراکه احساس ناامنی می تواند تعارضات روانی را بیشتر کند.

این استاد روانشناسی با بیان اینکه تعارضات روانی می تواند بستری برای یک اضطراب فراگیر و بعضا رفتارهای تهاجمی و آسیب زا باشد، تصریح کرد: ریشه بسیاری از رفتارهای تهاجمی به تعارضات درونی باز می گردد. تعارضات درونی نیز به این معنا است که افراد احساس دوگانگی داشته باشند و احساس دوگانگی نیز زمانی ایجاد می‌شود که امنیت روانی فرد دچار تزلزل شود.

وی همچنین "احساس امنیت روانی" را مهم تر از "امنیت انتظامی" دانست و با بیان این که در حال حاضر امنیت انتظامی در کشور ما بسیار ملموس، محسوس و در حد قابل قبول و خوب است، توضیح داد: با این وجود مهم تر از امنیت انتظامی، داشتن احساس امنیت روانی است که خمیرمایه اساسی آرامش و نشاط روانی محسوب می‌شود. آنهایی که احساس امنیت روانی دارند افراد سالم تر و پر نشاط تری هستند.

به گفته این رئیس اسبق دانشگاه تهران، لازمه تقویت احساس امنیت روانی و بالطبع آن حاکمیت آرامش درون خانواده‌ها این است که اعضای خانواده احساس کنند از جهات مختلف توسط دولت حمایت می شوند.

افروز با تاکید بر اینکه حمایت‌های حاکمیتی، حمایت‌های فراگیر و حمایت‌های همگانی می توانند احساس امنیت روانی را در



افراد جامعه بیشتر کنند، خاطر نشان کرد: امنیت معیشتی بسیار مهم است. در رابطه با احساس امنیت روانی با هر کسی که صحبت می‌کنیم می‌گوید که باید به خدا توکل کرد. مشخص است که این سخن حرف درستی است. خداوند مهربان، قادر و حکیم است و توکل بر خدا به انسان آرامش می دهد تردیدی در این امر نیست، اما همان خدای حکیم می‌فرماید ما باید از حداقل معیشت زندگی برخوردار شویم، خداوند می گوید برای معیشت زندگی تلاش کنید. این حرف را به همه می گوید، به دولت مردان نیز می گوید که از نظر اقتصادی تلاش کنید تا مردم مشکلی نداشته باشند.

این روانشناس و استاد ممتاز دانشگاه تهران همچنین در بخش دیگر سخنان خود به اهمیت ارائه خدمات "تامین اجتماعی" نظیر خدمات شهری، پزشکی و... به مردم و تاثیر آن بر افزایش احساس امنیت روانی مردم نیز اشاره و تصریح کرد: ارائه این خدمات به مردم در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان پیش بینی شده است.

برای مثال اگر فردی دچار عارضه قلبی شود، خواه تحت پوشش بیمه باشد یا خیر، باید بداند در لحظه به کدام بیمارستان مراجعه کند و کدام پزشک بالای سر او خواهد آمد. یا اگر خودرو فردی در خیابان خراب می‌شود خواه این فرد تحت پوشش بیمه باشد یا خیر باید بتواند از خدمات لازم بهره ببرد. درواقع این خدمات، تامین همگانی و خدمات همگانی محسوب می‌شوند و این خدمات متوجه نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی بشر است. تقویت امنیت روانی افراد جامعه در گرو تقویت معیشت زندگی و تقویت خدمات اجتماعی افراد جامعه است.

وی درباره تاثیر "خدمات اجتماعی" بر تقویت امنیت روانی، توضیح داد: اگر بخواهیم به دور از شعار، ریشه های تقویت احساس امنیت روانی را بررسی کنیم به مباحث یاد شده می‌رسیم. احساس امنیت روانی نیازمند خدمات اقتصادی دولت به خانواده ها و ارائه خدمات تامین اجتماعی، پزشکی، شهری، اجتماعی و بیمه ای به افراد جامعه است. احساسِ مهم امنیت انتظامی نیز بایدِ به تقویت امنیت روانی کمک کند.

افروز در بخش دیگر سخنان خود با بیان اینکه اطلاع رسانی به هنگام و حمایت سیاسی و اجتماعی از افراد جامعه، در عرصه‌هایی که جوامع دچار چالش شده، معترضین به خیابان می‌آیند و برخی از معترضین شروع به آشوب و تخریب گری می‌کنند، می‌تواند منجر به افزایش احساس امنیت مردم شود، خاطر نشان کرد: اگر احساس نا امنی زیاد و تعارضات درونی افراد بیشتر شود؛ سلامت روان افراد جامعه دچار پریشانی می شود. برای کمک به سلامت روان باید احساس امنیت روانی را بیشتر کنیم. از جمله راه‌های افزایش حس امنیت روانی مردم جامعه "اطلاع رسانی درست" است.

این رئیس اسبق دانشگاه تهران، از اطلاع رسانی چهره به چهره به عنوان بهترین مدل اطلاع رسانی در دنیا یاد کرد و افزود: در عرصه‌هایی که جوامع دچار چالش می‌شوند، برخی از اطلاع رسانی ها نظیر اطلاع رسانی‌هایی که از طریق فضای مجازی انجام می‌شود و منشا آنها نیز معلوم نیست، ممکن است آمیخته با اطلاعات نادرست باشد؛ در این میان رسانه های ملی باید با اطلاع رسانی درست، دقیق و به هنگام موارد احتیاطی را با خانواده ها مطرح کنند.

همچنین از جمله کانالهای مهم دنیا برای اطلاع رسانی خوب و درست توسط الگوهای مطلوب اجتماعی، "مهدهای کودک"، "پیش دبستانی ها" و "دبستان" تا پایان "دبیرستان" است. اتحادیه (انجمن) اولیاء و مربیان چه در مهدهای کودک و پیش دبستان و چه در دبستان تا دبیرستان می‌توانند ماهیانه یا ماهی دو بار دور هم جمع شوند، مدیران با معلمان صحبت و پیام‌های درست و تحلیل‌های صحیح و مطلوب را برای اولیاء مطرح کنند. درواقع تلاش‌های ما باید خانواده محور باشد.

دکتر عماد افروغ در مصاحبه با ایسنا:

«طردشدگی» آمادگی اولیه برای اعتراض خیابانی را فراهم کرد



عماد افروغ درباره ریشه اعتراضات اخیر در کشور اظهار کرد: هم واقعیات جامعه ایران و هم تاریخچه رخدادهای مشابه کشور و هم برخی رویکردهای انتقادی در جامعه شناسی به ما می‌فهماند که این اتفاقات تکرار خواهند شد. درگذشت مرحوم مهسا امینی جرقه‌ای بود که موجب شکل گیری اعتراضات اخیر با یک عقبه ساختاری شد. البته اگر موضوع مشابه درگذشت مرحوم امینی در هر کشوری رخ می‌داد، خشمی را به همراه خود در برداشت. شما می‌توانید به کتاب «خشم شهری، شورش طردشدگان» رجوع کنید که حوادث مشابه در آمریکا، انگلستان، فرانسه، سوئد، یونان و ترکیه را به تصویر کشیده است. البته در این کشورها نیز بروز اعتراضات دارای عقبه بوده است که آن عقبه به نظام سرمایه داری و نابرابری اجتماعی و طردشدگی‌های این نظام بر می‌گردد.

شاهد طردشدگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستیم

وی ادامه داد: ما هم در نظام خود شاهد نابرابری اقتصادی هستیم و سیاست‌های اقتصادی ما شبه سرمایه داری و نولیبرالیستی بوده است و سیاست‌های عدالت خواهانه موجهی را دنبال نکرده ایم. البته اعتراضات در ایران عقبه‌های سیاسی و فرهنگی نیز دارد و فقط شاهد طردشدگی اقتصادی نیستیم. سال هاست که یک قطبی شدن کاذب و تصنعی توسط گروه‌های سیاسی، آن هم در جامعه طیفی ایران کلید زده شده است و منشأ طرد شدگی‌های سه گانه مزبور نیز همین قطبی شدگی تصنعی و کاذب است. سیاست و قدرت اجازه نمی‌دهد که تکثر به جامعه ما بازگردد.

این جامعه شناس در تعریف خود از طردشدگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، تصریح کرد: جامعه ما، چون یک جامعه طیفی است، متکثر هم هست و این تکثر نباید نادیده گرفته شود. در شرایط بحران یا انقلاب، تکثر فرهنگی میل به وحدت دارد، اما بعد از سپری شدن این دوران، فرهنگ متکثر می‌خواهد به تکثر خود بازگردد، اما اگر سیاست این اجازه را ندهد یا تکثر فرهنگی را به بازی نگیرد، طردشدگی فرهنگی ایجاد می‌شود.

در توزیع مواهب اقتصادی نابرابری، انحصارطلبی و رانت خواری داریم

وی در ادامه با بیان اینکه به لحاظ اقتصادی علاوه بر بی عدالتی، در توزیع مواهب اقتصادی، نابرابری، انحصارطلبی و رانت خواری داریم، گفت: امتیازات به افراد خاص داده شده و اکثریت از این امتیازات طرد شده اند. براساس نظرسنجی سال ۹۸، فقط ۲۶ درصد جامعه گرایش سیاسی به دو جناح اصلاح طلبی و اصولگرایی دارد و ۷۴ درصد به این دو جناح گرایش ندارند. این آمارفقط نشان دهنده طردشدگی سیاسی نیست بلکه نشانه طردشدگی اقتصادی و فرهنگی هم هست.

راه برای حضور اکثریت جامعه بسته است

افروغ با اشاره به این که طردشدگی سیاسی به موضوع مشارکت بازمی گردد، خاطرنشان کرد: فرایند گزینش سیاسی در انتخابات یا سطوح پایین‌تر مشارکتی به شکلی است که راه را برای حضور اکثریت جامعه بسته است. جالب اینجاست که هر گاه نامزدهای انتخابات، متکثر بودند شاهد حضور اکثریت بوده ایم، چون جامعه طیفی و متکثر می‌خواهد نمود فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داشته باشد، اما با مقاومت قدرت رسمی روبرو شده است. از سوی دیگر اقتصاد رانتی و تمرکزگرایی در اداره کشور نیز مانع دیگری برای تکثرگرایی است. چون اصلاح ساختاری رخ نمی‌دهد باید منتظر تکرار این اعتراضات باشیم. این که بگویند مناظره و گفتگو کنیم، گام اول است و باید ببینیم که آیا این گام اول اقدامات عملی جهت مقابله با طردشدگی و انجام اصلاحات ساختاری دربردارد یا خیر؟

اعتراضات می‌تواند بستری برای فراهم شدن جنبش دانشجویی شود

افروغ با استقبال از کشیده شدن اتفاقات اخیر به صحن دانشگاه‌های کشور، بیان کرد: اگر دانشگاه بداند چه رسالتی بر دوش دارد، شاهد تغییر رویه‌های جاری کشور خواهیم بود و به جای آن که سیاست و اقتصاد به علم خط بدهند، این علم و فرهنگ است که به سیاست و اقتصاد خط خواهد داد. این اعتراضات می‌تواند بستری برای فراهم شدن جنبش دانشجویی نوظهور و مستقل شود. البته در گذشته هم تا حدودی این جنبش را داشته ایم، اما به گروه‌های سیاسی وابسته شد و مستقل نماند و به جای این که نقش روشنفکری و سوژه نقد را ایفا کند، به ابژه نقد و ابزار استیلای صاحبان قدرت تبدیل شدند و همین مبنای سقوطشان شد. اما اگر دانشجویان متوجه شوند چه رسالتی به عنوان جنبش اجتماعی و دانشجویی بر دوش دارند، می‌توانند خلأ روشنفکری ما را از طریق گفتگو پر کنند. اهل علم که نباید فحاشی و ناسزاگویی کنند بلکه باید وارد گفتگو شوند. گفتگو هم برای خود ابزار و آدابی دارد.

طردشدگی، آمادگی اولیه را برای اعتراض خیابانی فراهم کرده است

وی تاکید کرد: جنبش دانشجویی باید احیا شود تا بتواند مطالبات بر حق توده‌ها را دنبال کند. اکنون توده نمی‌داند در خیابان چه می‌خواهد. یک جرقه موجب شده است که به خیابان بیاید و خواسته‌های متراکم خود را نمی‌شناسد، اما جنبش دانشجویی مستقل می‌تواند خواسته‌های متراکم اقتصادی، فرهنگی و سیاسی توده را مطالبه کند. فوت مهسا امینی جرقه اعتراضات اخیر بود، اما اعتراضات عقبه دارد و طردشدگی، آمادگی اولیه را برای اعتراض خیابانی فراهم کرده است. راه برون رفت از این شرایط هم این است که اصلاحات ساختاری انجام شود و طردشدگی پایان یابد.

اعتراضات اخیر خشم شهری و شورش طردشدگان است

افروغ در پایان گفت: اعتراضات اخیر جنبش اجتماعی نیست بلکه خشم شهری و شورش طردشدگان است. این اعتراضات اگر می‌خواهد به جنبش تبدیل شود باید دارای رهبری، سازماندهی، انسجام ایدئولوژیک شود، عقبه داشته و درون زا باشد. این اتفاقات تا به درون گره نخورند، به جنبش عظیم اجتماعی تبدیل نمی‌شوند.

تاب آوری در مدرسه

عفت حیدری

مدرسه و معلم می توانند برای تاب آوری از طریق ایجاد دانش شناختی و آگاهی برای همه کودکان ظرفیت ایجاد کنند

عفت حیدری مترجم کتاب جادوی رایج تاب آوری در تکامل، اثر پروفسور آن ماستن، در یادداشتی اختصاصی برای میگنا نوشت مدارس در بسیاری از جوامع معاصر، نقش منحصر به فردی در تامین سرمایه انسانی، آموزش مهارتهای آکادمیک به کودکان و ترویج دانش پیرامون دولت و فرهنگ و تاریخ که به مثابه اهمیت اجتماعی شدن در یک جامعه یا اجتماع خاص است، دارند.

مدرسه در الگوی آموزشی خود نقش حیاتی در رشد ظرفیت تاب آوری از طریق پرورش سیستم سازگاری اولیه دارد. مدارس به عنوان یک محیط کلیدی رشد، خارج از خانواده می توانند نیازهای اصلی برای تغذیه و مراقبتهای بهداشتی را بر آورده ساخته، فرصتهایی را برای روابط با همسالان و افراد بزرگتر فراهم آورده ، پایگاه ایمن احساسی بوده و فرصتهایی برای رسیدگی به استعدادهای خاص یا مهارتهای کاری فراهم می آورند.



نیروی حرکتی رو به رشد برای یک رویکرد جامع در موفقیت آموزشی کودکان مساله دار و محروم، نیازمند به رسمیت شناختن حمایت از یادگیری و بسط سرمایه ی انسانی همراه با دید وسیع تری از آموزش دارد که تشخیص می دهد، سلامت و رفاه باید برای هر کسی در جهت آموزش تقویت شده و تفاوتها قابل دسترسی باشد.

رشد سرمایه ی انسانی

وظیفه اصلی مدارس، آموزش با تمرکز روی فردیت کودکان است، مدارس حوزه های سرمایه ی انسانی را که نقش اصلی در تاب آوری دارد، تامین می کنند.

بررسی تاب آوری در کودکان کم در آمد نشان دهنده ی آن است که توانمندی ها و قابلیتهای شناختی بهبود دهنده و حمایت کننده هستند. برای کودکانی که در معرض خطر فقر یا سایر مشکلات خانوادگی هستند، رشد و مهارتهای شناختی به شکل سواد آموزی، مهارتهای حسابداری، تفکر انتقادی، حل مشکلات مهارتی و جنبه های دیگر موفقیت آکادمیک به شدت مهم است.

مهارتهای اولیه روخوانی برای مثال، یادگیری ریاضیات و روخوانی را پیش بینی کرده، اما به نظر می رسد که آنها به عنوان پیش بینی کننده برای کودکان بسیار فقیر اهمیت بیشتری دارند.

مدارس موثر می توانند برای تاب آوری از طریق ایجاد دانش شناختی و آگاهی برای همه کودکان ظرفیت ایجاد کنند. برخی از کودکان در حال حاضر با مشکل مواجه هستند و برخی ممکن است در آینده با مشکلاتی روبرو شوند.

جامعه و دانش فنی – عاطفی نیز جنبه های اساسی سرمایه های انسانی هستند که در مدرسه پرورش می یابد. لازم است در کلاس درس مدیریت احساسات و یا انگیزه ها ومهارتهای اجتماعی برای کنار آمدن با دیگران آموخته شود که برای موفقیت در بسیاری از مراحل رشد در محیط های دیگر از جمله محیط کار مهم است.

محققان و دانشمندان به طور فزاینده ای در حیطه ی آموزش، اهمیت بهبود یادگیری اجتماعی – احساسی و هوش را در محیط مدرسه با مهارتهای شناختی سنتی و دانش به رسمیت می شناسند.

تغذیه و مراقبتهای بهداشتی

مدارس می توانند از طریق فراهم آوردن امکانات و برنامه های غذایی و مراقبتهای بهداشتی برای دانش آموزان کم درآمد، تاب آوری را در میان آنها ترویج کنند. یکی از قدیمی ترین تلاش های میانجی گرایانه ملی، پیاده سازی برنامه ملی ناهار در محیط مدرسه و تلاشهای مرتبط برای فراهم آوردن غذای ارزان برای کودکان در مدرسه است.

با توجه به این که ناامنی غذایی عامل خطری برای کودکان است که در فقر زندگی می کنند. غذاهای رایگان و ارزان و میان وعده های مناسب یک استراتژی مناسب برای بهبود و حمایت از سرمایه انسانی است.

این برنامه غذایی بیش از ۳۱ میلیون کودک را در ۱۰۰ هزار مدرسه و موسسه مراقبت از کودکان تحت پوشش قرار داده است.

برای خانواده های فقیری که دسترسی به مراقبتهای بهداشتی ندارند و کودکانی که در معرض مشکلات متعدد سلامتی هستند، یک درمانگاه یا کلینیک بهداشتی در مدرسه می تواند خدمات قابل توجهی فراهم کند و مشکلات آنها را تا حدودی رفع نماید. مشکلاتی که می تواند به راحتی در یادگیری اختلال ایجاد کند.

برای مثال، تحقیق ما در خانواده های بی خانمان، درصد زیادی از آسم در کودکان مشاهده کرد. به نظر می رسد، مدیریت ضعیف بهداشت با ترکیب پیچیده ای از عواملی مثل استرس و عدم ثبات در زندگی، عدم دسترسی به مراقبتهای بهداشتی و والدینی که خود تحت فشار هستند، مرتبط است.

نظارت پایدار روی سلامتی توسط پرسنل پزشکی برای بیماری های مزمنی مثل آسم در مدرسه می- تواند مشکلات زیادی در زندگی پرخطر کودکان ایجاد کند، به این شکل غیبت از مدرسه و ویزیت در اتاق اورژانس کاهش می یابد، زیرا شناخت عملکرد ریه افزایش می یابد.

روابط با افراد توانمند و دلسوز

بررسی و مطالعات تاب آوری در کودکان و جوانان نقش روابط با معلمان، مدیران، مربیان؛ و پرسنل دیگر را به عنوان تاثیرات حمایتی تاکید می کنند. معلمان خارج از خانواده به عنوان منبع حمایت در میان کودکان تاب آور در نظر گرفته می شوند.

جادوی تاب آوری تاب آوری در تکامل آن مستن.

محمدرضا مقدسی.عفت حیدری. هما نیابتی.
نشر ورجاوند

بررسی دلایل عدم مراجعه برخی از افراد به روانشناس

دکتر سارا غلامی

در دنیای مدرن امروزی، شاهد آن هستیم که درصد بسیار بالایی از مردم جامعه درگیر مشکلات ریز و درشتی هستند که هر یک پیامدهای روانی متعددی به دنبال دارند. برخی افراد به این پیامدها و درواقع طرحواره‌های خود آگاهند و سریع جهت درمان اقدام می‌نمایند. اما متاسفانه برخی دیگر نه تنها از رفتن پیش روانشناس اجتناب می‌کنند بلکه راه حل رسیدن به آرامش را مراجعه به فالگیر و یا دعا نویس نیز می‌دانند. لازم نیست بگوییم که کسانی که گرفتار این موارد می‌شوند چه آینده تباهی در انتظارشان است.

متاسفانه طبق آمار رسمی که در کشور منتشر شده است، درصد زیادی از مردم تا به حال به روانشناس و مشاور مراجعه نکرده‌اند و در پاسخ به این موضوع که چرا تا به حال مشاوره‌ای دریافت نکرده‌اید، پاسخ می‌دهند که "نیازی به مشاوره نداشتیم و خودمان می‌دانیم که چگونه مسائل زندگی را حل کنیم."



اجازه بدهید در همین قسمت از یادداشت به شما بگوییم که: هر انسانی در هر مرحله از زندگی خود نیاز به یک مشاور و روانشناس پیدا می‌کند. چرا که باید آموزش ببیند چگونه نگاه آگاهانه و منطقی به زندگی خود داشته باشد. اما به راستی چرا برخی از افراد مخصوصاً در جامعه کنونی ما این موضوع را درک نمی کنند؟

مگه من روانیم؟

بی شک برای شما هم پیش آمده که به یکی از دوستان، همکاران یا اعضای خانواده خود بگویید که به مشاوره و روانشناس مراجعه کند و در پاسخ به شما بگوید: مگر من روانی هستم؟ این فرض که فقط افراد روانی یا روان پریش به مشاور و روانشناس حتی روانپزشک مراجعه می‌کنند، موضوعیست که کوته فکران درگیر آن هستند. روانی بودن برچسب اشتباهی است که به افراد یک جامعه زده می‌شود و ترس از همین برچسب‌هاست که برخی به دنبال درمان خود نمی‌روند و در آخر به خودکشی می‌رسند.

چشمم زدن، برام طلسم و جادو نوشتن

جهل و خرافه گرایی دو عنوان بسیار دردناکی هستند که امروزه افراد زیادی درگیر آن هستند. چنین افرادی هیچ گاه نمی‌گویند که فلان اشتباه را کردم که این مشکل اساسی پیش آمد بلکه می‌گویند: دیدی چشمم زدند؟ یا این تفکر را ندارند که اگر هر روز رابطه زناشویی که در آن هستند، بدتر و بدتر می‌شود، دلیلش رفتار خود فرد یا شریک زندگی اوست. می گویند: برای ما طلسم و جادو نوشتند. در نتیجه به جای اینکه به روانشناس و مشاور مراجعه کنند، پیش فالگیر و رمال می‌روند و خدا می‌داند که با این کار چه بار روانی شدیدی به آنها وارد می‌شود.

نمی‌خوام قرص بخورم و همش بخوابم!

اجازه دهید در این قسمت توضیحی دهم و این تفکر غلط را برای همیشه برطرف کنم. هیچ روانشناس و مشاوری اجازه تجویز دارو به شما را ندارد و فقط روانپزشک است که به شما دارو تجویز می کند. شما برای درمان مشکلات خود ابتدا باید به مشاور و روانشناس مراجعه کنید که درمان شما در این مرحله بالینی خواهد بود. شما فقط از طریق صحبت و تمرین جلسات خود را سپری خواهید کرد و اگر مشاور تشخیص دهد که نیاز به دارو دارید، شما را به روانپزشک ارجاع خواهد داد. این را هم اضافه کنم که اگر در مراحل ابتدایی، درمان را آغاز کنید نیازی به مصرف دارو نخواهید داشت. در ضمن بیشتر داروهای اعصاب خواب آور نیستند. پس نگران این موضوع نباشید.

رفتم ولی فایده نداشت!

درمان مشکلات روانی زمان‌بَر است. چرا که تمامی طرحواره‌های ذهنی ما ریشه در کودکی دارند و ما با آن‌ها خو گرفته و بزرگ شده‌ایم. کاملاً مشخص است که یک شبه رفتار هیچ انسانی عوض نخواهد شد. پس شما برای درمان نیاز به زمان دارید. برخی از افراد در میانه درمان ناامید می‌شوند و یکباره مشاوره‌های خود را قطع می‌کنند. متاسفانه فشار روانی که این افراد تحمل می‌کنند، بسیار شدیدتر از زمانی است که درمان را آغاز نکرده بودند. این افراد در این مرحله با طرحواره‌های روانی خود آشنا شده‌اند و این که نمی‌توانند آن ها را حل کنند خود معضل بزرگیست که در آن گرفتار می‌شوند.

من اصلا مشکلی ندارم!

تا به حال کسی را دیده‌اید که اختلال شدید دارد، اما وقتی با او صحبت می کنید در جواب می گوید" من اصلا مشکلی ندارم؟" باید بگوییم که این دسته از افراد واقعا خطرناک هستند چرا که مشکل روانی خود را به شدت انکار می کنند. این گونه اشخاص به دو دلیل دست به انکار می‌زنند:

– اعتماد به نفس کاذب
– می‌دانند که با بقیه متفاوت هستند اما نمی‌خواهند اقدامی کنند چون از شرایط زندگی خود راضی هستند.

گروه نخست که درگیر اعتماد به نفس کاذب هستند، معمولاً این اعتماد به نفس از عدم موفقیت در زندگی آنهاست. در واقع می‌خواهند به بقیه نشان دهند که موفق و خوشبخت هستند اما در تنهایی خود همیشه احساس یاس و ناامیدی دارند.

گروه دوم معمولاً افراد زورگویی هستند که با داد و قال همه را به فرمان خود در آورده‌اند و از این شرایط راضی هستند. می‌دانند که اگر به مشاور مراجعه کنند، این قدرت ظالمانه را از دست خواهند داد. در نتیجه همکاری نمی کنند. فرزندان و شریک زندگی این افراد همیشه قربانی هستند.

سخن آخر

تمامی افرادی که در این مقاله از آنها سخن گفتیم در اطراف ما حضور دارند، شاید حتی خود ما هم به نوعی به هر یک از موارد ذکر شده نزدیک باشیم. سلامت روان نه تنها بر زندگی ما بلکه بر زندگی اطرافیان ما هم تاثیر مستقیم دارد. خانم یا آقایی که سلامت روان داشته باشد، می‌تواند شریک خوبی برای همسر و یا مادر و پدر خوبی برای فرزندان باشد.

این جمله همیشه در ذهنتان باشد: سلامت روان امروز شما، سلامت روان فردای فرزندان شماست.

فقط حجاب نیست، زیست زنانه تغییر کرده است

ریحانه کریمی

تحولاتی درباره حضور اجتماعی زنان که پس از درگذشت مهسا امینی بیشتر رخ نمود چهل روز از فوت مهسا امینی می‌گذرد. اتفاقاتی که در این مدت در کشور افتاده است نیازمند بررسی موشکافانه است. بعد از این اتفاق دردناک مباحث زیادی در مورد حجاب و نحوه برخورد حکومت با این مسئله در فضای مجازی، رسانه‌های رسمی، روزنامه‌ها و... مطرح شده است. اتفاقاتی که در این یک ماه افتاده پیامد ناگزیر تغییرات نادیده گرفته‌شده در حوزه «زیست زنانه»۱ در ایران است. در اینجا می‌خواهم از مشاهدات شخصی خودم برای توضیح تغییرات زیست زنانه در جامعه ایران استفاده کنم. حدود ۱۱سال است که در شهر قم زندگی می‌کنم، در ابتدای مهاجرتم به شهر قم تعداد زنانی که مانتو پوشیده بودند یا حجاب متفاوتی داشتند انگشت‌شمار بود؛ اما اکنون با پیاده‌روی کوتاهی در معابر اصلی شهر، زنان زیادی را در مقایسه با قبل می‌بینید که مانتو پوشیده‌اند، آرایش غلیظ دارند و... این مسئله در میان نوجوانان و جوانان رایج‌تر است، آنها کنار مادران چادری خود با شال و مانتو جلوباز راه می‌روند. هر چند وقت یک‌بار و به‌خصوص در فصل گرما خطیبان و سخنرانان تغییرات در حوزه پوشش در این شهر مقدس را به توطئه دشمنان نسبت می‌دهند.۲

دخترم دانش‌آموز کلاس چهارم است و هفته پیش که برای جلسه مادران به مدرسه رفته بودم، از میان ۱۷مادر فقط یک نفر چادر به سر داشت؛ درحالیکه سال گذشته هفت تن از همین مادران از چادر استفاده می‌کردند. البته که هنوز خیلی از زنان قمی از چادر استفاده می‌کنند. اما این تغییرات سرعت شتابنده‌ای دارد و تغییرات زیست زنانه در میان همین افراد مذهبی هم قابل تأمل است.

از شهر قم مثال‌هایی زدم تا توضیح دهم جامعه ایران حتی در شهر مذهبی قم تغییر محسوسی کرده است. روند تغییرات در جامعه زنان ایران مربوط به امروز و دیروز نیست و بعد از فوت مهسا امینی ایجاد نشده است. این اتفاق فقط روند تغییرات را تسریع کرد و نگاه‌ها و اذهان را متوجه اهمیت این مسئله کرده است. این تغییرات فقط در مورد حجاب و پوشش نیست و به نظر من تغییرات حجاب سطح‌رویی و آشکارشده این موضوع است، تغییر در پوشش، نشانه‌ای از تغییری عمیق‌تر در نگرش زنان به زندگی است. تعریف رسمی از هویت زن که فقط باید نقش مادری و همسری را در جامعه ایفا کند و همواره باید پیرو مردان در زندگی خصوصی و در عرصه اجتماعی باشد دیگر برای اکثریت اعضای جامعه قابل پذیرش نیست.

برای یافتن عواملی که باعث تغییر نگرش زنان در حال حاضر شده‌اند باید اتفاقات سال‌های قبل را بکاویم. سهم دختران در میان داوطلبان کنکور سراسری در ۲۰سال گذشته همواره از پسران بیشتر بوده است. فقط در چهار سال اخیر سهم داوطلبان دختر در کنکور سراسری از ۵۸درصد به ۶۱درصد رسیده است.۳ همچنین درحالی‌که در سال ۱۳۹۰ زنان شرکت‌کننده در آزمون دکتری در ایران ۱۶درصد از جمعیت کل شرکت‌کنندگان در آزمون بوده‌اند در سال ۱۴۰۱ این آمار به ۴۵درصد رسیده است. تا اینجا زنان در تحصیلات عالی و ورود به دانشگاه از مردان پیشی گرفته‌اند، در چنین شرایطی انتظار این است که زنان بعد از اتمام تحصیلات جایگاه بهتری در بازار کار داشته باشند. درحالی‌که همواره نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. براساس آمارهای مرکز آمار در بهار ۱۴۰۱ نرخ بیکاری مردان ۷/۸درصد و نرخ بیکاری زنان ۱۶/۱درصد است. همچنین نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان مرد ۹/۷درصد و فارغ‌التحصیلان زن ۲۲/۸درصد است. قوانین کار نوشته شده در مورد زنان حافظ منافع آنها نیست و حتی در مواردی به ضرر آنها است، مانند مرخصی زایمان که به جای اینکه قانون حمایت از زنان باشد، کارفرما را مجبور می‌کند از نیروی کار زن کمتر استفاده کند. آمار روشنی در مورد زنانی که بعد از زایمان کار خود را از دست داده‌اند، در دسترس نیست. آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد ۸۳۰هزار زن در دوره کرونا بیکار شده‌اند. بسیاری از زنانی که تحصیلات عالی دارند اما شغل متناسب با این تحصیلات ندارند، مجبورند به مشاغل خدماتی و کم‌اهمیت‌تر تن بدهند، قطعا آنها از این وضعیت راضی نیستند.

با وجود موانع متعدد همین میزان مشارکت کم در نیروی کار هم اثرات خود را در استقلال



زنان دارد. کسب درآمد برای زنان این امکان را فراهم می‌آورد که برای بخش‌های دیگر زندگی خود، خودشان تصمیم بگیرند. آمار روبه‌رشد زنان ورزشکار، رشد باشگاه‌های زنانه در شهرهای کوچک و بزرگ، سیر صعودی حیرت‌انگیز جراحی‌های زیبایی، رشد آرایشگاه‌های زنانه، افزایش آمار طلاق، کاهش نرخ فرزندآوری و... همگی موید تغییر سبک زندگی زنانه در ایران است. قوانین و سیاست‌های رسمی در مورد زنان با چنین تغییراتی همنوا نیست و شکاف فزاینده‌ای را بین جریان زندگی و صورت‌های رسمی (همچون قوانین، سیاست‌های رسمی فرهنگی و...) ایجاد کرده است. مسائل زیادی هستند که در این حوزه حل نشده‌اند. مسائلی همچون دیه زنان، حق حضانت فرزند، اجازه خروج از کشور و...

حضور اجتماعی زنان به یک ارزش تبدیل شده است؛ به‌نحوی که حتی در سال گذشته و در انتخابات ریاست‌جمهوری، دختر آقای رئیسی به عنوان نامزد جریان محافظه‌کار سنتی در قاب تلویزیون حاضر شد و برای پدر خود تبلیغ کرد؛ اتفاقی که تاکنون در صداوسیما نیفتاده بود.

تحولات جهانی در زمینه برابری جنسیتی و احقاق حقوق زنان و به‌رسمیت شناختن آنان در جامعه را نباید نادیده گرفت. نوجوان امروز فقط محصول جامعه‌پذیر شده نهادهای آموزشی و فرهنگی جامعه و حتی خانواده خود نیست، بلکه همزمان و چه‌بسا در پاره‌ای از موارد بیشتر تحت تاثیر فرهنگی جهانی از خلال محصولات فرهنگی یا فضای مجازی است. بسیاری از نوجوانان در مقایسه با والدین خودشان بیشتر از فضای مجازی استفاده می‌کنند و با تغییرات جهانی آشنا هستند و آنها را مطلوب خود می‌دانند. نوجوانان قمی‌ای که با آنها سروکار دارم فیلم‌ها و سریال‌های نتفلیکس را دنبال می‌کنند و بسیاری از ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای رفتاری را از این فیلم‌ها و سریال‌ها می‌آموزند. برای آنها قابل درک نیست که درحالی‌که یک زن در خارج از ایران به بالاترین مدارج علمی یا سیاسی می‌رسد چرا باید از ورود به ورزشگاه منع شود. هر چند عوامل متعددی منجر به پدیده گسست نسلی در ایران شده‌اند؛ اما می‌توان گفت تغییرات جهانی و استفاده مداوم نوجوانان در ایران از فضای مجازی باعث تسریع گسست نسلی بین نوجوانان و نسل قبل شده است. تغییراتی از این نوع که به برخی از آنها اشاره شد، نشان می‌دهد که سیاست‌های رسمی در مواجهه با این نسل کارآیی خود را از دست داده است و تداوم آنها نتیجه‌ای جز ایجاد تنش و تضاد بین این نسل با فضای رسمی ندارد و هرازگاهی باید منتظر باشیم این تضاد به نحوی علنی و جمعی ابراز شود.

زنان با بهره‌گیری از فضای مجازی سبک جدید زندگی زنانه را در جامعه تکثیر می‌کنند، سبک‌های زندگی‌ای که تاکنون با مقاومت سیستم مواجه شده است؛ اما امروزه با تکثیر در اشکال مختلف به قدری مقبولیت یافته‌اند که دیگر نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

همه این تغییرات در میزان تحصیلات زنان، میزان مشارکت اجتماعی زنان، گسست نسلی نوجوانان، مطالبه عمومی و فراگیر در مورد حجاب و... حاکی از این است که مناسبات اجتماعی موجود در جامعه ایران به‌رغم مخالفت‌ها از سوی ساختار رسمی قدرت و حتی بخشی از بدنه مذهبی جامعه دیر یا زود دستخوش تغییر خواهد شد. اگر در عرصه سیاست‌های رسمی، در همچنان بر همان پاشنه بچرخد، احتمالاً این تضادها از شکلی اجتماعی به شکلی سیاسی تحول پیدا خواهند کرد و هر نوع تغییر به معنای عقب‌نشینی تعبیر خواهد شد. درحالی‌که اگر اکنون این سیاست‌های رسمی تغییر کنند، نشانه‌ای از انعطاف و اعتمادبه‌نفس دستگاه‌های رسمی معنا می‌شود.

پی‌نوشت:

۱- منظور از زیست زنانه هر آن چیزی در جهان است که به‌نوعی در ساخت زندگی زنان در جامعه تاثیرگذار باشد. زیست زنانه می‌تواند شامل حوزه فردی و اجتماعی زندگی شود. هابرماس زیست جهان را قلمرو فرهنگ، شخصیت، معنا و سمبل‌ها تعریف می‌کند که جملگی زیربنا و اساس ارتباط و مفاهمه را تشکیل می‌دهند. تعبیر «زیست زنانه» تعبیری برگرفته از این مفهوم است.

۲- https://aftabnews.ir/fa/news/۶۶۰۴۶۰

۳- https://d-mag.ir/p۴۱۳۰/

منبع: هم‌میهن.

بایدها و نبایدها برای عملکرد بهینه کبد

دکتر سیروس عباسی

فلوی فوق تخصصی جراحی کبد ، پانکراس و صفراوی دانشگاه کره – سئول – جمهوری کره جنوبی



در قاره امریکا و بسیاری کشورهای دنیا «ماه اکتبر، ماه کبد» است. «افزایش آگاهی سازی و کار رسانه ای» برای «شناخت عمومی کبد و ارتقا خودمراقبتی و مراقبت از کبد» هدف نامگذاری ماه اکتبر به عنوان ماه کبد در عرصه بهداشت عمومی است.

کبد دومین اندام بزرگ بدن ماست. در بالا و سمت راست شکم و در حفاظ نسبی از دنده ها و جدار شکم قرار دارد. بزرگ‌ترین ارگان درون‌شکمی است. کبد نقش مهمی در سیستم گوارش دارد. کبد یا همان جگر، پرکارترین ارگان بدن است و حتی در هنگام خواب کامل هم از پیچیدگی و تراکم کارهایش کم نمی شود. تا همین امروز بیش از سیصد عملکرد پیچیده در گوارش، خون، سم شناسی، ایمنی بدن، ترمیمی، نورون شناسی، تعادل و تمرکز و خواب و بیداری و ... مربوط به کبد شناسایی شده اند.

پردازش هر چیزی که می خوریم و می نوشیم، از جمله داروهایمان، و همچنین مدیریت قند خون، حذف ترکیبات سمی و خطرناک از بدن، کنترل سطح کلسترول، مدیریت پسماندهای سلولزهای خونی؛ کمک به لخته شدن خون و مبارزه با عفونت ها بر عهده کبد است. به نوعی خوراک سلولی سرتاسر بدن با مدیریت کبد تامین می شود. هر ماده غذایی که می خوریم و جذب خون می شود ابتدا از طریق سیستم خون رسانی پورتال وارد کبد می شود. یا ذخیره و یا در بدن پخش می شوند یا دفع می شوند. کبد سنسور بدن است در حوزه خوراکی ها. اینها و دهها عملکرد حیاتی دیگر؛ کبد را به ارگان حیاتی بدن تبدیل می کند. البته به همان دلایل، بیماری های کبد هم بسیار متنوع و گسترده هستند.

بیماری های کبدی دو نوع عمده دارند: حاد و مزمن.

هپاتیت حاد ویروسی، دارویی، مسمومیتی، ... نارسایی حاد کبد؛ تروما و پارگی های کیست، عفونتهای انگلی و میکربی... .

هپاتیت های ویروسی و بیماری‌های پیشرفته صفراوی دو نوع مهم حاد هستند. هپاتیت می تواند مزمن شود. هپاتیت مزمن با یک پاسخ التهابی خفیف مشخص می شود که بیش از شش ماه طول می کشد. سیروز همان نارسایی مزمن کبد است. سرطان کبد زمانی می تواند رشد کند که بدن قادر به ترمیم سلول های کبدی (سلول های کبد) که در اثر التهاب از بین رفته اند، نباشد. شایع ترین عوامل خطر برای سرطان کبد عفونت مزمن (طولانی مدت) با ویروس هپاتیت B (HBV) یا ویروس هپاتیت C (HCV)، دیابت، برخی بیماری های ارثی کبد، دیابت، بیماری کبد چرب غیر الکلی، قرار گرفتن در معرض آفلاتوکسین، و مصرف بیش از حد الکل. این ها منجر به سیروز کبدی می شود.

تعدادی از علائم و نشانه های رایج سرطان کبد عبارتند از کاهش وزن، کاهش اشتها، درد و تورم بالای شکم، تهوع/استفراغ، تغییر رنگ پوست و سفیدی چشم به زردی. تغییر رنگ مدفوع به سفیدی در موارد بیماری‌های انسدادی صفراوی.

پایش بیماری‌های کبد را تاکید می کنم چون در بسیاری از موارد تشخیص زودهنگام می تواند مسیر کنترل و درمان را تسریع کند.

در اینجا بایدها و نبایدهای مکرر برای عملکرد بهینه کبد آورده شده است:

حفظ وزن بدن – چاقی، به ویژه چاقی شکمی یا مرکزی، یکی از علل اصلی بیماری کبد چرب است. وزن سالم را می توان با یک رژیم غذایی متعادل و ورزش مکرر به دست آورد و حفظ کرد.

سبزیجات سبز بیشتری بخورید – همیشه برای کبد شما خوب است که سبزیجات سبزتر را در بشقاب شما مصرف کند. مواد شیمیایی پاک کننده موجود در این سبزیجات به پاکسازی طبیعی کبد شما کمک می کند. کلم بروکلی و کلم بروکسل از سبزیجات چلیپایی هستند که به تقویت آنزیم‌های سم‌زدایی طبیعی کبد، محافظت از آن در برابر آسیب و بهبود سطح آنزیم‌های کبدی در خون کمک می کنند. البته شستن و ضدعفونی کامل سبزیجات یک ضرورت است برای پیشگیری از انواع بیماری‌های انگلی و عفونی بدن و کبد. از آشامیدن آب های جاری و راکد در مناطق اندمیک یا مشکوک به بیماری‌های انگلی بپرهیزید. کیست هیداتید کبد یک بیماری انگلی رایج در ایران است و به راحتی می‌توان با رعایت بهداشت فردی، بهداشت آب وخوراک، بهداشت محیط بار آن و احتمال ابتلا را کم کرد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



آمار عجیب و غریب از درآمدهای «کاسبان فیلترینگ»!

– پس از آن که پیام‌رسان تلگرام در اردیبهشت ۱۳۹۷ و به دستور مقامات قضایی فیلتر شد، کسب و کار پروکسی‌فروش‌ها هم داغ شد. هرچند طیف زیادی از کسانی که فیلترینگ را دور می‌زدند، از پروکسی‌های رایگان استفاده می کردند، اما گروهی هم بودند که به واسطه کار و تجارت آنلاین نیاز به آی‌پی ثابت داشتند. طبیعتا این گروه اقدام به خرید وی‌پی‌ان می کردند؛ هم از فروشندگانی که نام و نشانی نداشتند و تنها راه ارتباط با آن وب‌سایت، ایمیل یا حتی آی‌دی در تلگرام بود.

– کاسبان فیلترینگ کارشان شبیه کاسبان تحریم‌هاست. حیات و ممات‌شان به محدودیت‌ها وابسته است. کاسبان فیلترینگ، گروهی هستند که با گذشت بیش از دو دهه فعالیت آنها در فضای اینترنت ایران، همچنان گمنام هستند.

–کسی به درستی نمی‌داند این گروه به کجا وابسته هستند و پولی که بابت فیلترشکن پرداخت می کنند، دقیقا به کجا می‌رود.

– در یک ماه اخیر که فیلترینگ گسترده شده و فیلترشکن‌های رایگان هم از کار افتاده است، کار و بار این گروه ناشناس هم سکه شده است. اگر تا پیش از این برای فروش فیلترشکن رقم‌های پایینی در حدود ۳۰ تا ۵۰ هزارتومان برای سه ماه دریافت می کردند، حالا که تقاضا بالا رفته، عددها از ۱۵۰ هزارتومان شروع می‌شود و گاه تا ۴۰۰ هزارتومان و بیشتر هم پیش می‌رود.

–آنهایی که فیلترشکن‌های ارزان‌تر می‌فروشند، به همان نسبت هم کیفیت پروکسی‌هایشان پایین است؛ مصداق بارز هرچه قدر که پول بدهی، آش می‌خوری! هر چه قدر که قیمت فیلترشکن‌ها بیشتر می‌شود، هم سرعت بهتر می‌شود و هم کیفیت بالا می‌رود، انگار نه انگار که فیلترینگ وجود دارد.

–کسب و کار کاسبان فیلترینگ، با اظهارات مقامات حکومتی همبستگی مستقیم دارد. هر چه قدر که تعداد اظهارنظرها درباره ادامه فیلترینگ بیشتر باشد و نقل‌قول‌ها محکم‌تر، قیمت‌ها هم بالاتر می‌شود. به‌خصوص بعد از آن که عیسی زارع‌پور گفت که تصمیم برای فیلترینگ با نهادهای امنیتی و از اختیار او خارج است، بازار خاکستری فیلترینگ انگار جان دیگری گرفت. کسانی که تا پیش از این برای خرید فیلترشکن مقاومت می کردند و امیدوار بودند که دولت از تصمیم خود برای فیلترینگ اینستاگرام یا واتس‌آپ کوتاه بیاید، به جمع مشتری‌های فیلترشکن‌فروش‌ها پیوستند.

از ماهی ۵۰میلیارد تومان تا سالی ۶۰۰ میلیارد تومان؛ عددی است که یک عضو انجمن صنفی کسب‌و‌کارهای اینترنتی سال گذشته اعلام کرده بود. با احتساب نرخ تورم امسال و فیلترینگ گسترده یک ماه اخیر، می‌توان حدس زد که اگر این برآورد تا حدودی هم به واقعیت نزدیک بوده، در شرایط کنونی به بیش از سه تا پنج برابر افزایش یافته است.

–گزارش‌های غیررسمی نشان می‌دهد که بیش از ۸۰درصد کاربران اینترنت از فیلترشکن استفاده می کنند، اگر نیمی از این افراد در یک‌ماه گذشته اقدام به خرید فیلترشکن با نرخ‌های جدید کرده باشند، اوضاع برای کاسبان فیلترینگ عالی است.

–این پایداری بازار به‌خصوص بعد از آن که عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات اعلام کرد که تلاش‌هایی صورت می گیرد تا با وجود غیرمجاز بودن فروش فیلترشکن‌ها جرم‌انگاری برای آن صورت نگیرد، دیگر خیال کاسبان فیلترینگ راحت‌تر شد./ هم میهن

دکتر فرشاد مومنی مطرح کرد:

تمکین به مطالبات مردمی نشان ضعف نیست

سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا هم خط قرمز حکومت‌گران باشد



استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی اظهار داشت: یکی از مهمترین اهداف تحریم‌ها سرخوردگی جوانان از طریق تحمیل سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا بوده است و در حالی که حکومت‌گران ده‌ها خط قرمز تعریف کردند، خوب است که یکی از خط قرمزهای آنها هم سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا باشد.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایلنا، فرشاد مومنی در نشست «ارزیابی تحولات اخیر کشور و ریشه‌های اقتصادی آن» با بیان این که در این جلسه قصد داریم با دریچه علم به نحوه مواجهه با اتفاقات اخیر نگاه کنیم، اظهار داشت: نگران این هستیم که برخوردهای عصبی و انفعالی به هزینه‌های تحمیل شده مردم و جامعه اضافه کنند و بدون اینکه دستاوردی داشته باشند چشم انداز نگران کننده‌تری را ایجاد کنند.

وی با اشاره به بررسی اعتراضات و تحولات اخیر کشور با نگاه اقتصادی گفت: تفکیک وجوه اقتصادی و غیراقتصادی حیات جمعی یک تفکیک اعتباری و قراردادی است و حکومت‌گران باید آگاه باشند وقتی که بحران اقتصادی و سیاسی رخ می‌دهند همزمان دچار بحران‌های اقتصادی، بین‌المللی و فرهنگی هم می‌شویم.

این کارشناس اقتصادی ادامه داد: دسترسی به داده‌های اقتصادی به وضوح نشان می‌دهند که با بحران‌های ناشی از فساد و ناکارآمدی تصمیم‌گیران و سیاست گذاران اقتصادی مواجه هستیم و وقتی این بحران‌های سیاستگذاری را مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که در سه دهه گذشته تصمیمات اقتصادی با شکست روبرو شدند و نکته تکان دهنده این است که در هر زمینه‌ای که تصمیم گیران و سیاستگذاران پرداخت بیشتری داشتند شکست‌خوردگی و فساد آفرینی در آن حوزه بیشتر بوده است.

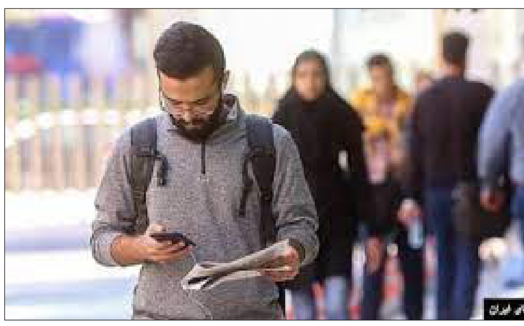
مومنی افزود: حکومت‌گران باید به این موضوع توجه داشته باشند خود شکن آیینه شکستن خطاست و اعتراضات امروز آیینه‌ای از نارضایتی‌ها، بی‌کفایتی‌ها و فسادهاست و می‌بینیم که هر یک از این موضوعاتی که سیاستگذار با شدت به آن ورود کرده فاجعه آمیزتر بوده است.

وی گفت: باید در این آیینه خود را بینند و اصلاح کنند وگرنه شرایط بدتری پیش رو است. بخش اعظم فرودستان و دهک‌های با درآمد متوسط به زیر خط فقر رفتند و مطالبات مردم به رسمیت شناختن آنها است، مردم مطالبات به حق مشارکت دارند که این مطالبات حق مسلم شهروندی است.

این کارشناس اقتصادی با بیان این که در درون ساختار قدرت با حذف افراد شایسته برای دستیابی به حکومت یکپارچه حق شهروندی را به اجرا نرساندند، ادامه داد: پشت کردن به عدالت اجتماعی و ساقط کردن دهک‌های درآمد متوسط و تحمیل مشارکت زدایی، ریشه‌های اصلی اندیشه‌ای و نهادی این بحران است و تا زمانی که ریشه آن اصلاح و از بین نرود اعتراضات باقی می‌مانند.

مومنی افزود: در یک ربع قرن گذشته دهک متوسط و فرودستان به رسمیت شناخته نشدند و در نتیجه آرام آرام و به تدریج پدیده به رسمیت نشناختن کسانی که این جمعیت را به رسمیت نمی‌شناسد ایجاد شد که این روند به نفع هیچ کسی نیست.

وی تاکید کرد: باید به تجربه بشار اسد نگاه کنند،



در آغاز اعتراضات سوریه اگر بشار اسد حتی پنج درصد مطالبات مردم را مورد اعتنا قرار می‌داد سوریه با بازی هر سر باخت مواجه نمی‌شد. در شرایطی که حکومت سوریه در مدت طولانی و ۵۰ درصد سرزمین خود قادر به اعمال حکمرانی نبود به پایگاه طمع قدرت‌های بزرگ دنیا تبدیل شد.

این کارشناس اقتصادی تاکید کرد: حکومت‌گران کسانی را که به آنها می گویند تمکین به مطالبات مردمی نشان ضعف است دوست خود ندانند و بدانند که هر حکومتی که به مردم خود پشت کرد ناچار در ادامه راه، مسیر بیگانگان را پیموده است.

وی گفت: طی ده سال گذشته که تحریم‌های ظالمانه علیه ایران از سوی آمریکا و همپیمانان از حد خارج شد دیدیدم که در اسناد رسمی که منتشر شد صراحتا اعلام کردند که غالب هدف از این تحریم‌ها براندازی حکومت ایران بوده است. حال اگر حکومتگران به توصیه‌های کارشناسان کشور گوش نمی‌کنند حداقل به شیوه لقمان حکیم به اسنادی که از سوی آمریکا منتشر شده توجه داشته باشند که این موضوع به فسفر با کیفیت بالایی هم نیاز ندارد و هر مسیری که تحریم‌کنندگان از طریق آن پروژه براندازی را دنبال می کند حکومت‌گران وارد آن نشوند.

مومنی افزود: یکی از مهمترین اهداف تحریم‌ها سرخوردگی جوانان از طریق تحمیل سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا بوده است و در حالی که حکومت‌گران ده‌ها خط قرمز تعریف کردند، خوب است که یکی از خط قرمزهای آنها هم سیاست‌های اشتغال‌زدا و تورم‌زا باشد.

این کارشناس اقتصادی با بیان این که از زمستان ۱۴۰۰ تا به امروز در طی سه نشست هشدار دادیم که با این بودجه بی کیفیت با محوریت اشتغال‌زدایی و تورم‌زایی در نیمه دوم ۱۴۰۱ با بحران مواجه می‌شویم اظهار داشت: متاسفانه این عدم انعطاف در برابر این هشدارها غیر توجیه بوده و این که از خودشان هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند هیچ توجیه شرعی ندارد.

عبور طارمی از مسی سوژه جهانی شد



درخشش بی نظیر ستاره ایرانی سوژه خبرنگار ترکیه ای شد.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین؛ مهدی طارمی ستاره تیم ملی کشورمان با درخشش به همراه پورتو در لیگ قهرمانان اروپا بالاتر از لیونل مسی ابرستاره پاری سن ژرمن بهترین بازیکن هفته اروپا شد.

درخشش بی نظیر طارمی در چند سال گذشته با پیراهن پورتو رسانه های دنیا را به وجد آورده است. طارمی بعد از جدایی از پرسپولیس راهی سوپر لیگ ترکیه شد و به تیم ریزه اسپور پیوست. اما ۵ سال پیش اولین ماجراجویی ستاره ایرانی برای لژیونر شدن با بدشانسی مواجه شد و کودتای ناکام ترکیه رخ داد که طارمی به این دلیل قراردادش را با این باشگاه ترکیه ای فسخ کرد و به پرسپولیس برگشت.

بعد از بازگشت حکم جنجالی محرومیت ۶ ماه اش از فوتبال را پشت سرگذاشت و پیشرفت خود را با پیوستن به الغرافه قطر آغاز کرد.

طارمی بعد از الغرافه راهی لیگ پرتغال شد و به تیم ناشناخته ریوآوه پیوست. ستاره ایرانی در یک فصل حضورش در ریوآوه درخشش بی نظیری داشت و با ۱۸ گل زده در رده دوم بهترین گلزنان قرار گرفت.درخشش طارمی باعث شد تا پورتو غول فوتبال پرتغال روی او دست بگذارد و او را جذب کند. ستاره ایرانی در سومین سال حضورش در پورتو به بازیکنی تبدیل شد که موفق شد بالاتر از مسی بهترین بازیکن هفته اروپا شود.

این جهش بزرگ طارمی باعث شد تا اوزکان اوندر خبرنگار ترکیه ای از این رشد ستاره ایرانی به وجد بیاید و در توئیترش خود نوشت: از ریزه اسپور به عنوان بهترین بازیکن هفته لیگ قهرمانان اروپا انتخاب شد. مهدی طارمی رشد شگفت انگیزی داشته است!

مهدی طارمی در کنار مسی و امباپه!



مهدی طارمی باز هم با لباس پورتو عملکردی خیره‌کننده است. مهدی طارمی در بازی پورتو و کلوب بروژ درخشان ظاهر شد و دو بار مقابل حریف بلژیکی گلزنی کرد. او که هفته گذشته هم دو بار برای پورتو گل زده بود در عملکرد خود در تیم منتخب هفته پنجم دور گروهی هم قرار گرفت.

نکته جالب حضور طارمی در کنار لیونل مسی و کیلیان امباپه، دو ستاره پاری‌سن‌ژرمن در تیم منتخب است.